

بخشوده درس:

حقوق ارتباطات

کرد آورنده:

جناب آقای فرسادارایی

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

مقدمه

مقصود از حقوق رسانه‌ها، مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر کار رسانه‌ها و افراد فعال در این عرصه حکومت می‌کند. مباحث این رشته، گاه مربوط به حقوق عمومی و گاه مربوط به حقوق خصوصی است؛ همان‌گونه که در عین داخلی بودن، بی‌ارتباط با مقررات بین‌المللی نیست.

تأثیر دو سویه و فزاینده رسانه و توسعه موجب شده است حقوق رسانه‌ها در برنامه توسعه کشورها از جایگاه رفیعی برخوردار شود. قانون برنامه چهارم توسعه در کشور ما نیز چشم‌انداز قابل قبولی در این زمینه ترسیم کرده و از جمله، تدوین قانون جامع رسانه‌ها را تکلیف کرده است.

حقوق رسانه‌ها از زمره رشته‌های نوپیدای دانش حقوق است که با شتابی فراوان در حال گسترش و تکامل است. جذابیت مباحث حقوقی رسانه‌ها به دلیل تأثیر روزافزون وسایل ارتباط جمعی در زندگی روزگار ما و ابتلای همگانی به آن است. میان رشته‌ای بودن این موضوع و ارتباط آن با دانش‌های دیگر نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست نیز بر جذابیت آن افزوده است. البته نباید تحول و دگرگونی روزانه فناوری را هم نادیده گرفت.

برای مثال، ماهواره یا اینترنت را در نظر بگیرید که چگونه پرسش‌های حقوقی بی‌شماری را در زندگی اجتماعی ما مطرح کرده‌اند؛ پرسش‌هایی که هر روز بر انبوه آنها افزوده می‌شود و نمی‌توانند بی‌پاسخ بمانند. این چنین است که قلمرو مباحث حقوق رسانه‌ها در جهان امروز، به سرعت گسترده و گسترده‌تر می‌شود. با وجود این، حقوق رسانه‌ها در ایران، چنان‌که شایسته است، رایج نبوده و رشد نکرده است. مقاله حاضر، درصدد است مبانی و پایه‌های نظام جامع حقوق رسانه‌ها را تبیین کند، چشم‌انداز و آینده آن را در ایران روشن کند و در نهایت بایسته‌های آن را گوشزد کند. اهداف یاد شده، در سه گفتار جداگانه بررسی خواهد شد.

۱. تعریف حقوق رسانه‌ها

برای تعریف حقوق رسانه‌ها، ابتدا باید به معنای دو واژه «رسانه» و «حقوق» و سپس به مفهوم ترکیب آن دو اشاره

کرد. «رسانه»، در اینجا به معنای وسایل ارتباطی مبتنی بر فناوری است که پیام‌هایی را خطاب به عموم ارسال می‌کند. بنابراین، استفاده از فناوری و برقراری ارتباط توده‌ای، دو عنصر مهم در تعریف رسانه است و به این ترتیب، «حقوق رسانه»‌ها در برگیرنده قواعد مربوط به رسانه‌های سنتی و ارتباطات چهره به چهره نمی‌شود. شاخه‌های مختلف حقوق

حقوق را به شکل‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. اهمیت و لزوم این تقسیم‌بندی‌ها که ناشی از وسعت، گوناگونی و پیچیدگی روابط اجتماعی انسان‌ها و در نتیجه، قواعد و مقررات حاکم بر آنهاست، بر کسی پوشیده نیست. در ساده‌ترین روش، حقوق را معمولاً بر اساس دو مبنای کلی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ یکی عمومی و خصوصی بودن آن و دیگری داخلی، ملی و یا بین‌المللی و خارجی بودن آن.

اینک به گونه‌ای کوتاه و مختصر به شرح هر یک از این بخش‌ها می‌پردازیم:

الف. حقوق عمومی (**PUBLIC LAW**) و خصوصی (**PRIVATE LAW**)

مقصود از «حقوق عمومی قواعدی است که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می‌کند و سازمان‌های دولتی را منظم می‌سازد و حقوق خصوصی مجمع قواعد حاکم بر روابط افراد است.»

اگرچه حقوق خصوصی نامعلوم است و در خصوص قواعد آن اختلاف و ناهماهنگی وجود دارد، دولت به وسیله دادگاه‌ها در دادرسی و فرونشاندن کشمکش‌ها دخالت می‌کند و با فشار اجتماعی خوانده یا مشتکی عنه را محکوم می‌سازد. بدین گونه، ضمانت اجرای حقوق عمومی، نیروی رسمی و فشار اجتماعی است که از سوی دولت اعمال می‌شود. نقض و شکستن قواعد حقوق عمومی و تخلف از آنها با واکنشی همراه است که «ضمانت اجرا» (**SANCTION**) نام دارد.

ب. حقوق داخلی و خارجی

حقوق داخلی یا ملی (**MUNICIPAL LAW OR NATIONAL LAW**) به قواعدی گفته می‌شود که تنها بر شهروندان و ساکنان یک کشور حکومت می‌کند در نتیجه هیچ عامل خارجی در آن وجود ندارد. در مقابل، به قوانینی که بر روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و روابط اتباع دولت‌ها حکومت می‌کند، حقوق بین‌الملل یا خارجی گفته می‌شود. بنابراین در حقوق بین‌المللی (**INTERNATIONAL LAW**) تنها در محدوده دولت یا ملت معینی سخن گفته نمی‌شود و همیشه پای حداقل یک عامل خارجی در میان است.

حقوق بین‌الملل نیز همانند حقوق داخلی، به دو شعبه عمومی و خصوصی تقسیم شده است. در حقوق بین‌الملل عمومی، روابط دولت‌ها موضوع بحث است و در حقوق بین‌الملل خصوصی، روابط افراد در خانواده جهانی. برای مثال، قواعد حاکم بر معاهدات دولت‌ها (از انعقاد گرفته تا تعارض، فسخ یا خاتمه آنها) در حقوق بین‌الملل عمومی بررسی می‌شود اما قواعد حاکم بر ازدواج اتباع دو کشور متفاوت، در حقوق بین‌الملل خصوصی.

اهداف حقوق ارتباطات بین‌الملل

حوزه حقوق بین‌الملل نیز از رویه سنتی که دغدغه اصلی آن حفظ حاکمیت و برابری دولتها بوده است به رویکرد جدیدی منتقل شده که براساس آن، حقوق افراد بشری نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت بهتر، حقوق بین‌الملل ارتباطات امروز باید توازن مناسبی میان مسأله حاکمیت و امنیت ملی از یک سو و حمایت از حقوق و آزادی‌های بنیادین مربوط به ارتباطات از سوی دیگر برقرار کند. همچنین باید توجه داشت که صلح و امنیت بین‌المللی هم دغدغه دیگری است که حقوق بین‌الملل ارتباطات نمی‌تواند نسبت به آن بی‌توجه باشد. شرح و بسط این دغدغه‌های به ظاهر نامتوازن را در چهار عنوان بررسی خواهیم کرد، نخست به دو دسته از مهمترین مفاهیم حقوق بشری این حوزه یعنی حق بر آزادی بیان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات خواهیم پرداخت، پس از آن به چالشهای مربوط به حاکمیت ملی و صلح بین‌المللی خواهیم پرداخت. چالشهای دسته آخر (صلح و امنیت بین‌المللی) هم با مفاهیم حقوق بشری فوق و هم با مسأله حاکمیت ملی، هردو در کشاکش است و توازن میان همه این دغدغه‌ها می‌تواند غایت مطلوب حقوق بین‌الملل ارتباطات تلقی شود.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌کند «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است

که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

این ماده متضمن مباحث متنوعی است که هر واژه آن می‌تواند سرآغاز تحلیل و گفتگو درباره مبانی و مبادی حقوق بین الملل ارتباطات در پارادایم جدید (بشریت‌گرا) باشد.

هدف اول: آزادی بیان

از بنیادی ترین حقوق بشر است که به صورت طبیعی و بالقوه وجود دارد حق برخورداری از آزادی بیان، بنیادی ترین حق وسایل ارتباط جمعی است. دیگر آزادی‌ها و حقوق رسانه ای مثل دسترسی به اطلاعات حق انتقاد، حق استقلال رسانه ای، حمایت از تکرر گرای، منع سانسور و حق انتشار آزاد، ریشه در آزادی بیان دارد و به شدت تحت تاثیر آن قرار دارد و یا از آن متاثر است.

پس جایگاه آزادی بیان آثار بسیاری بر وضع اجراء و تفسیر قوانین و مقررات رسانه ای یا به عبارتی دیگر حقوق رسانه ها دارد. جایگاه برخورداری از آزادی بیان یک حق قلمداد می شود.

سیر تاریخی آزادی بیان:

آزادی بیان یک حق طبیعی، اساسی و بشری می باشد.

الف) آزادی بیان به مثابه یک حق طبیعی: حقوقی است که انسان به حکم طبیعت دارد و با عقل خود آنها را کشف می کند و در مقابل آن حقوق موضوعه می باشد (قوانینی است که توسط انسان وضع می گردد)

در مکتب حق طبیعی آزادی و آزادی بیان برای بشر یک موهبت الهی است و بر این اساس کسی که در مقام اعمال آزادی بیان است از حق خود استفاده می کند یعنی نیازی نیست که از کسی اجازه بگیرد بر مبنای این نظر و در نظام حقوقی انگلستان قانونی در مورد مطبوعات وجود ندارد.

در برخی از کشورها نحوه اعمال آزادی بیان در قانون وضع شده مشخص شده است مثلاً در نظام حقوقی ایران (بند ۴ ماده ۳) مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان اهداف و سیاست های ضوابط نشر کتاب اعلام می کند که تلاش برای انتشار کتاب حق طبیعی هر فرد از افراد ملت است. نتیجه ای که از این قانون گرفته می شود این است که برای انتشار کتاب نیازی به اخذ مجوز نیست.

ب- آزادی بیان به مثابه یکی از حقوق اساسی

اهمیت آزادی بیان حق برخورداری از آن به اندازه ای زیاد است که در قوانین اساسی همه کشورها به آن تصریح شده است.

بعضی از قوانین اساسی صرفاً به آزادی مطبوعات اشاره کرده اند و برخی به آزادی بیان و برخی نیز آزادی اطلاعات را به آن افزوده اند.

شناسایی آزادی بیان به مثابه یک حق اساسی آثار بسیار مهمی به دنبال دارد. حقوق مندرج در قانون اساسی چنان اهمیتی دارد که در راس نظام حقوقی یک کشور قرار دارد.

شناسایی آزادی بیان به منزله یک حق اساسی به این معنی است که هیچ قانون عادی نمی تواند آنرا حذف کند. قانون اساسی محدوده استثنائات را بر شمرده و قوانین عادی نمی تواند از آن استثنائات خارج گردد.

ج) آزادی بیان به مثابه یکی از حقوق بشر: حقوق بشر حقوقی است که انسان ها به صرف انسان بودن و صرف نظر از جنس، نژاد، قومیت، و مذهب دارند مثل حق شغل. هدف این حقوق حمایت از شان و کرامت انسان است این حقوق بر خلاف حقوق طبیعی، ریشه الهی و طبیعی ندارد و اغلب جنبه قراردادی است. حقوق بشر ترکیبی از محاسن تمام مکاتب حقوق طبیعی و موضوعه است. حق بشر در ۳ نسل دسته بندی می شوند که حق آزادی بیان در مقوله حقوق مدنی و حقوق سیاسی قرار می گیرد.

تکلیف دولت ایجاد نکردن مانع بر سر راه آن است.

نظام حقوق اسلامی:

در منابع مختلف اسلامی نه تنها از حق بیان، افکار، آزادی، مباحثه و مجادله عالمانه حمایت شده بلکه با تشریح فریضه امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود شرایط در بیان حق، واجب و ترک آن معصیت است.

هدف دوم: آزادی اطلاعات

در همه جا عنوان می شود مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است، اما اصل قضیه وجه کامل این است آزادی مطبوعات رکن چهارم دموکراسی است

از زمانی که دموکراسی به عنوان مناسب ترین شیوه حکومت در جوامع مطرح شده برخی اندیشمندان با آن مخالفت کردند و معتقد بودند که دموکراسی در نهایت به "پوپولیسم" (عوامگرایی) منتهی می شود و عقلانیت را از جمعه دور می کند.

در مقابل حامیان دموکراسی ضمن اذعان به دشواری های موجود آن را آرمانی دست یافتنی توصیف کرده و ابزار و مقدمات آن را تدارک دیده اند.

ابزارها:

۱. نخستین گام برای تحقق در دموکراسی، حمایت از آزادی مطبوعات است به همین دلیل آزادی مطبوعات را رکن چهارم دموکراسی نامیده اند.

۲. گام دوم برای تحقق دموکراسی که یک موج دموکراتیک را در کشور ایجاد کرده شفاف سازی است (که یک زیر ساخت دموکراسی آزادی است)

مفهوم شناسی

بند اول:

الف) آزادی اطلاعات: اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا جعل شده و در مورد محتوای خود تا حدی گمراه کننده است شاید تصور شود منظور از این اصطلاح آزادی همه انواع اطلاعات است ولی در اصل معنی حق دسترسی افراد به اطلاعات در دستگاه ها و موسسات عمومی است. به همین دلیل در قوانین برخی کشورها، آزادی اطلاعات دقیق تر تعریف شده. مثلاً در فرانسه، آزادی دسترسی به اسناد اداری است و در کانادا آزادی دسترسی به اطلاعات.

ب) حق دسترسی به اطلاعات: نتیجه و محصول آزادی اطلاعات و یا به تعبیری آزادی چارچوب بندی شده است یعنی (حق دسترسی به اطلاعات) هر یک از اعضای جامعه در هر زمان بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعات را داشته باشد که در یکی از موسسات دولتی یا عمومی و گاهی نیز خصوصی نگهداری می شود و آن موسسه تنها با دلایل احصاء شده و مشخصی بتواند درخواست وی را رد کند.

ج) تفاوت با سایر آزادی ها:

حق دسترسی به اطلاعات در موسسات حکومتی یکی از لوازم اصلی آزادی بیان و مطبوعات قلمداد میشود زیرا مهمترین وسیله حقوقی در تهیه اطلاعات لازم و دقیق برای اعمال آزادی اطلاعات به شمار می رود. با وجود این آزادی اطلاعات با آزادی بیان و مطبوعات مترادف نیست و مفهومی متفاوت دارد.

بند دوم:

الف) شفافیت: یک اصطلاح سیاسی است که شکلی حقوقی به خود گرفته مفهوم شفافیت از لایه های مختلفی تشکیل شده و پیچیدگی های خاصی دارد با این وجود باید اذعان داشت که بصیرت، دانش و دسترسی عمومی به اطلاعات موجود در موسسات عمومی، مهمترین عناصر مشخصه شفافیت هستند.

۱. تقریباً سنتی ترین دلیل برای شفاف سازی حکومتها این است که شفافیت حکومت کنترل کنش و واکنش موسسات عمومی را تسهیل می کند

۲. افزایش عقلانیت، تامل و شنود مشورت و کارآمدی فرایندهای تصمیم سازی و در نتیجه اعتماد عمومی به حکومت در گرو شفاف سازی حکومت است زیرا حاکمان یا همان حاکمان پاسخگو که می توانیم از آنها بخواهیم در مورد تصمیمات و فعالیت هایشان به مردم توضیح بدهند، بیشتر می توانند به تصمیمات بهتر و منطقی تر آن هم به روش های موثر نایل شوند

۳. به نظر برخی اندیشمندان مهمترین و عقلانی ترین دلیل برای شفاف سازی آن است که مشارکت فعال

شهروندان را در امور سیاسی تقویت می کند. شفافیت یکی از شروط اساسی برای جهت گیری اراده اشخاص است که این اراده برای ایجاد جامعه مردم سالاری نقش حیاتی دارد.

پس شفافیت پیش شرطی است برای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی، تنها یک نظام باز می تواند منافع شهروندان را تامین کند که از انتظام و تعهد بیشتر شهروندان خود بهره مند شود. به همین دلیل صاحب نظران عقیده دارند شفاف سازی و مردم سالاری در اصل توأم با هم هستند.

عناصر قلمرو آزادی اطلاعات:

۱. تعریف اطلاعات: در قوانین کشورهای مختلف در خصوص مفهوم اطلاعات یک اختلاف ترمینولوژیک (واژه شناسی) به چشم می خورد. برخی کشورها از دسترسی به اطلاعات سخن گفته اند و برخی دیگر از دسترسی به اسناد یا سوابق دولتی.

اطلاعات مفهومی عام که ممکن است در یک سند یا جزئی از آن گنجانده شده باشد. اطلاعات می تواند بخشی انتزاعی از دانش باشد ولی سند یک جزء معینی است.

پس منظور از "اطلاعات" تمام اسناد و مدارکی است که صرف نظر از شکل (طوری که ذخیره شده) که می تواند به صورت مکتوب، چاپی، ضبط شده و الکترونیکی باشد و صرف نظر از منبع (مقام دولتی و یا هر شخص دیگر) و صرف نظر از تاریخ تولید، در یک واحد دولتی نگهداری می شود.

اصل تفکیک پذیر بودن اطلاعات: باید این امکان برای متقاضی فراهم شود که اطلاعات مورد نیاز از سایر قسمتهای سند جدا شود

اصل مفید بودن اطلاعات قابل دسترسی: آنچه در قوانین مربوط به آزادی اطلاعات اهمیت دارد دسترسی به اطلاعات واقعی است نه اطلاعات پوشالی.

۲. موسسات (دولتی) مشمول آزادی اطلاعات: مشمول آزادی اطلاعات بر قوای سه گانه به طور سنتی، قوانین مربوط به آزادی اطلاعات، تنها قوه مجریه را مورد توجه قرار می دهد زیرا مذاکرات مجلس و دادگاهها معمولاً علنی هستند (در ایران)

در بیشتر کشورها ۲ گرایش در مورد آزادی اطلاعات وجود دارد. اول اینکه موسسات مشمول را صرفاً تعریف می کنند دوم فهرست موسسات را تهیه می کنند (فقط اسم را می آورند)

نکته: راه پیشنهادی این است که یک روش ترکیبی از این دو استفاده شود.

۳. متقاضی اطلاعات: ما دو نوع تقاضا معمولاً از موسسات عمومی داریم

۱. تقاضا از طریق ذینفع ۲. تقاضا از طریق غیر ذینفع

اما در نظام حقوقی ایران هنوز حق دسترسی آزادانه مردم به اسناد و مدارک دولتی به رسمیت شناخته نشده است.

استقلال و یا عدم استقلال رسانه های همگانی

در بررسی عملکرد وسایل ارتباط جمعی آن چیزی که مورد استفاده قرار می گیرد "استقلال و یا عدم استقلال رسانه های همگانی" است. در منابع حقوقی تعریف مشخصی به چشم نمی خورد. اما با بررسی ادبیات موجود می توان استقلال رسانه ای را این گونه تعریف کرد:

"عدم وابستگی رسانه ها و عوامل و نهادهای رسانه ای به حکومت و عدم تاثیر پذیری فعالیت ها متعارف یا مالی به بیان دیگر عدم سانسور ساختاری یا محتوایی رسانه ای."

استقلال رسانه های همگانی (ساختاری) (منع سانسور شکلی یا ساختاری)

دسته بندی استقلال ساختاری:

الف) داشتن شخصیت حقوقی مستقل: یعنی رسانه از نظر ساختاری به تشکیلات دیگر به ویژه تشکیلات حکومتی وابسته نباشد و شخصیت حقوقی مستقلی داشته باشد (دارایی، ارکان تصمیم گیری و همینطور ارکان اداری آن مستقل باشد)

ب) استقلال مراجع دولتی تنظیم کننده فعالیت رسانه ای: استقلال ساختاری به عدم وابستگی آن دسته از مراجع دولتی یا شبه دولتی به حکومت اطلاق می شود که به تنظیم و کنترل فعالیت های رسانه ای و نظارت بر آنها می پردازد.

۱- استقلال مراجع نظارت بر مطبوعات:

برای انتشار مطبوعات نظام های مختلفی در جهان وجود دارد که در کشور ما با پذیرش نظام اخذ مجوز در مورد مطبوعات، مسئولیت رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص متقاضی و مدیر مسئول به عهده هیات هفت نفره است.

استقلال سیاسی

یکی دیگر از معیارهای استقلال رسانه ای، تاثیر پذیری رسانه ها و مراجع تنظیم کننده فعالیت های رسانه ای از فشار های سیاسی است. در کشور ما هیئت نظارت بر مطبوعات، هیئت نظارت بر خبرگزاری های غیر دولتی، سازمان صدا و سیما و ... را که مقامات دولتی منصوب می کنند در معرض وابستگی سیاسی و تاثیر پذیری از جریان سیاسی هستند.

تکثر گرایی

الف- مفهوم تکثر گرایی: در آثار حقوقی تعریفی از تکثر گرایی ارائه نشده است در برخی اسناد و کنوانسیون های بین المللی و منطقه ای و در قوانین برخی کشورها تنها به اصول و محتوا و ابعاد توجه شده اما تعریفی برای آن ارائه نشده است.

در عرصه رسانه ها تکثر گرایی با عبارت های مختلفی چون تکثر گرایی رسانه ای، تکثر گرایی در رسانه ها، ماهیت تکثر بیان افکار و عقاید، تکثر گرایی اطلاعاتی، تکثر گرایی مطبوعاتی و تکثر رسانه ها مورد بحث واقع شده است. دو ویژگی تکثر گرایی:

۱. تکثر گرایی، قلمرو اصل آزادی بیان را محدود می کند.

آزادی بیان در همه قوانین اساسی کشورها یکی از اصول مهم آن به شمار می رود. تاکید بر اهمیت تکثر گرایی تا اندازه ای عدول از اصل آزادی بیان محسوب می شود زیرا با استفاده تکثر گرایی می توان از صدور مجوز پخش (رادیو و تلویزیون) یا مجوز انتشار روزنامه خودداری کرد و مانع ساختارهای انحصار گرا در عرصه فعالیت های رسانه ای شد.

۲. هدف این محدودیت، تضمین گوناگونی اطلاعات برای مردم است.

هدف از محدود کردن آزادی بیان به استناد تکثر گرایی آن است که امکان دسترسی مردم به اطلاعات گوناگون، تضمین یا فراهم شود. بر این اساس می توان در صورت محدودیت امکانات و وسایل، تقاضای مدیران رسانه های تکثر گرا یا متقاضیان رسانه ها را در اولویت قرار داد.

شیوه های تنظیم فعالیت های رسانه ای

یکی از پرسش های اساسی در مورد رسانه ها این است که بهترین شیوه برای نظارت بر فعالیت های رسانه ای جلوگیری از تعدی و تجاوز آنها به حقوق مردم و نیز دفاع از حقوق آزادی های رسانه ای در برابر تعدیات دولت های کدام است؟

راه حل های مختلفی بر اساس نظام فرهنگ، اقتصاد، مذهب، ساختار سیاسی وجود دارد که نمی توان گفت کدام بهتر است:

۱. خود نظام دهی رسانه ها

۲. نظام دهی مشترک با دولت (با همکاری دولت)

۳. نظام دهی توسط دولت

اندیشمندان رسانه ای از میان این نظام ها، نظام نخست را برتر از سایر نظام ها می دانند اما در عمل نظام دوم پذیرفته ترین نظام موجود و نظام سوم منفورترین و ناسازگارترین نظام یا فعالیت رسانه ای است.

تعریف خودنظام دهی:

یعنی جامعه رسانه ای یک کشور راساً و بدون مداخله حکومت با تدوین قواعد رفتاری و ایجاد نهادهای لازم، فعالیت های رسانه ای را تنظیم کنند.

توجیهات:

۱. کنترل فعالیت های رسانه ای با فلسفه اولیه رسانه ها مغایر است زیرا رسانه ها می خواهند نقش نظارتی داشته باشند.

۲. اشخاصی که به فعالیت رسانه ای می پردازند در مقایسه با سایر اشخاص جامعه از آگاهیهای بیشتری نسبت به قوانین و اخلاق اجتماعی برخوردارند و به قوانین و اخلاق بیشتر پایبندند.

۳. نقش خود نظام دهی در مبارزه با تورم قوانین، حجم انبوه قوانین باعث می شود مردم از آن بی اطلاع باشند برخی نظام ها از جایگزین قانون استفاده می کنند به کمک رسانه ها

بند دوم: نظام دهی مشترک با دولت

برخی اندیشمندان معتقدند که به عنوان یک قاعده کلی، حکومت زمانی صلاحیت مداخله در اداره و کنترل رسانه ها را دارد که خود رسانه ها از این امر و محقق ساختن اهدافی که بر عهده دارند ناتوان یا کارآمد باشند در صورتی که جامعه رسانه ای با شکست مواجه شده باشد و نهادهای خود تنظیم نتوانند به نحو کارآمد و پاسخگو به اهداف اجتماعی برسند نوبت به حکومت می رسد تا خود نظام دهی را مورد ارزیابی و آسیب شناسی قرار می دهد تا احراز کند استفاده از چه گزینه ای نیل به اهداف اجتماعی را میسر می سازد.

نکته مهمی که حکومت باید در این روند مد نظر داشته باشد آن است که مداخله او از سر ضرورت انجام می شود و جنبه استثنایی، تکمیلی و فرعی دارد. از این امر به اصل تفرع یاد می شود. به موجب آن موسسات قدرتمند نباید عهده دار وظایفی شوند که موسسات ضعیف تر نظیر نهادهای خود تنظیم می توانند آن وظایف را انجام دهند. مثل قانون وکلا، که از دادگستری جدا هستند.

بند سوم: نظام دهی توسط دولت:

در این شیوه دولت در تمام امور ریز و درشت رسانه ها دخالت می کند و خود را عهده دار تنظیم فعالیت های یکایک رسانه ها می داند. این روش با طبیعت فعالیت های رسانه ای و حقوق و آزادی های آنها سازگاری ندارد.

هدف سوم - حاکمیت و امنیت ملی

پارادایم نخست حقوق بین الملل که هدف اصلی قواعد حقوق بین الملل را صرفاً تأمین منافع و امنیت دولتها و احیاناً تحدید صلاحیت دولتها معرفی می کرد، همچنان پابرجاست و به عبارتی می توان گفت حقوق بین الملل با دو پارادایم دولت محور و بشریت محور، همزمان یک نظام حقوقی دوزیست محسوب می شود. بنابراین حاکمیت و امنیت ملی دست کم در دو مورد حقوق بین الملل ارتباطات را تحت تأثیر قرار می دهد و انتظار می رود قواعد این شاخه حقوقی، به این هدف توجه داشته باشند. مورد نخست تحدید صلاحیت در فضاهای فاقد حاکمیت و در روابط میان حاکمیت هاست که فی المثل در حقوق دریاهای و حقوق هوا و فضا خود را نشان می دهد و مورد دوم محدودسازی حقوق بنیادین در راستای تضمین امنیت ملی است. زمینه های حقوق بشر توانسته است حوزه نخست را تحت تأثیر قرار دهد. در این حوزه که برای مثال، مسأله حاکمیت دولتها بر فضای فوقانی و زمین سرزمین خود مطرح می شود، این حاکمیت و صلاحیت با حق دریافت آزاد اطلاعات از طریق امواج ماهواره ای یا حتی از طریق اینترنت دچار تحول شده و دیگر دولتها نمی توانند کنترل مانع و جامعی بر امواج ماهواره ای یا انتقال داده های رایانه ای داشته باشند؛ هرچند بعضاً می کوشند با استناد به همان حق سستی حاکمیت نسبت به فیلترینگ داده ها یا تصویب قوانین داخلی سختگیرانه در برابر تحولات فناوری ایستادگی کنند. بعد دیگر همین مسأله آن است که آزادی بیان نمی تواند به دولتها اجازه مداخله در امور یکدیگر بدهد و نیز هیچ دولتی نمی تواند پیام هایی علیه حاکمیت دولت دیگر و یا پیامهای جنگ طلبانه منتشر نماید. به عبارت دیگر خود مسأله تقابل

میان حاکمیت و فناوری ارتباطی، دو بعد مجزا دارد، یک روی آن موضوع تبادل آزاد اطلاعات است که در زمینه ای حقوق بشری مورد بحث قرار می گیرد و روی دیگر آن مسأله پروپاگانداست که به روابط دولتها با یکدیگر به معنای خاص کلمه مرتبط است و هر کدام در جای خود قابل طرح هستند. ممنوعیت پروپاگاندا، تجاوزکارانه و ضرورت استفاده صلح آمیز از امکانات ارتباطی، ضمن آن که در روابط میان دولتهای همسایه یا دولتهای درگیر (طرفین) مخاصمه، به طور خاص قابل طرح هستند؛ به این موضوع نیز باز می گردد که حقوق بین الملل در مناطق فاقد حاکمیت - که تحت صلاحیت یا کنترل هیچ دولتی نیستند - نظیر دریای آزاد، فضای مافرای جو و... اقدام به تخصیص صلاحیتها نموده است و بر همین اساس به هیچ دولتی صلاحیت استفاده غیر صلح آمیز از چنین مناطقی نمی بخشد و بر این مبنا حقوق بین الملل می کوشد پاسخ مناسبی به نگرانی دولتها درباره امنیت ملی آنها بدهد. در حوزه دوم یعنی تحدید حقوق بنیادین نیز گرچه ا.ج.ح.ب و م.ح.م.س به سادگی «امنیت ملی عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی» را از محدودیت های آزادی بیان و اطلاعات برشمردند اما همین سادگی آغاز ماجرای پردامنه ای درباره دامنه «ضرورت» و «امنیت ملی» است. یک نمونه از این جدالها را می توان در داستان انتشار اسناد محرمانه نظامی امریکا از طریق سایت ویکی لیکس و سپس تعقیب قضایی افرادی چون «ژولیان آسانز» و «ادوارد اسنودن» مشاهده نمود. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بیان می کند «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیتهای خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: ... ب) حفظ امنیت ملی عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی» مفاد ماده ۲۹ اعلامیه جهانی نیز به نحو مشابهی اعمال کلیه حقوق بنیادین بشری را در مورد اقتضائات نظم عمومی، و البته به موجب «قانون» محدود می سازد. به علاوه ماده ۴ میثاق نیز در خصوص محدودیت های ناشی از خطرات عمومی مقرراتی اساسی را وضع نموده است. در مجموع می توان گفت حقوق بین الملل ارتباطات نیز نظیر حقوق داخلی باید توازن میان مصالح ملی و حاکمیت از یک سو با حقوق بشر از سوی دیگر برقرار نماید. چالش دستیابی به این تعادل را در بخش چالشهای حقوق بین الملل ارتباطات به بحث می گذاریم.

هدف چهارم - صلح و امنیت بین المللی

تاکنون صلح و امنیت بین المللی اگر نه «تنها» هدف و غایت حقوق بین الملل که دست کم یکی از مهمترین اهداف نظام حقوق بین الملل بوده است. منشور ملل متحد به عنوان یک سند اساسی در این نظام حقوقی، بر اهمیت صلح و امنیت بین المللی تأکید دارد (بند یک ماده یک منشور) و از این رو بیشترین اختیارات و سنگین ترین ضمانت اجرایی ساختار بین المللی در این مفهوم تعبیه شده است: شورای امنیت با اختیارات سیاسی فراوان و ضمانت اجرایی نظیر تحریم های سیاسی و اقتصادی و حتی جواز مداخله نظامی. لذا مفهوم صلح و امنیت بین المللی بر آزادی های ارتباطی نیز سایه می افکند؛ هم از آن رو که - چنانکه توضیح داده شد - صلاحیت ارتباطی دولتها در مناطق فاقد حاکمیت یا کنترل را در چهارچوب حقوق دریاهای و حقوق هوا و فضا به فعالیت های صلح آمیز محدود می نماید و هم از آن جهت که آزادی های افراد نباید صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره بیافکند، چه آزادی رفت و آمد، و چه آزادی ابراز نظر و عقیده در هر شکل و شمایل صوری آن. از این رو ترغیب به جرایم شدید بین المللی نظیر تبعیض نژادی، نسل زدایی و جنگ تجاوزکارانه منع می شود بند ۲ ماده ۲۰ میثاق همچنین اشاره دارد که «هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است.» بدین ترتیب همه دولتها متعهدند در قوانین خود چنین اقداماتی را منع و مجازات قانونی مناسب برای آن در نظر گیرند. بند ۳ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی پا از این فراتر گذاشته و بیان مینماید که کلیه حقوق و آزادی های به رسمیت شناخته شده در اعلامیه «در هیچ موردی نمی تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.» حفظ صلح و امنیت بین المللی و روابط دوستانه بین المللی به موجب ماده یک منشور از جمله اهداف ملل متحد هستند و تساوی حاکمیتها، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی و منع تهدید یا توسل به زور نیز در کنار همکاری برای پیشبرد حقوق بشر در ماده ۲ منشور به عنوان اصول ملل متحد معرفی شده اند. بنابراین آزادی بیان و آزادی اطلاعات نباید به نحوی اعمال شود که به نقض حقوق بشر، تهدید علیه استقلال یا تمامیت ارضی دولتها، ارتکاب جرایم شدید بین المللی بیانجامد.

خلاصه کلام آن که اگر بخواهیم در یک عبارت مختصر، غایت و نقطه مطلوب حقوق بین الملل ارتباطات را در دوران کنونی توصیف کنیم، باید بگوییم: ایجاد تعادل و توازن میان آزادی های بیان و ارتباطات با «حاکمیت و امنیت ملی» و نیز

«صلح و امنیت بین‌المللی». چه بسا بتوان مدعی شد که حتی معاهدات و اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی مربوطه را نیز باید در چهارچوب همین تعادل و توازن مطلوب، تفسیر و اجرا نمود.

محدودیت‌های بین‌المللی آزادی بیان

حقوق بین‌الملل علاوه بر آن که استانداردهای محدودسازی آزادی بیان در حقوق داخلی را بیان می‌کند (بند ۳ ماده ۱۹ میثاق)، خود نیز محدودیت‌هایی برای آزادی‌ها برمی‌شمارد که هر گونه محتوای رسانه‌ای نیز باید این ممنوعیت‌ها را محترم بشمارد.

۱- ترغیب به جرایم بین‌المللی

حقوق بین‌الملل عرفی و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اعمالی نظیر تجاوز، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و جرایم جنگی را از جمله شدیدترین جرایم بین‌المللی ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه برمی‌شمارد که باید در چهارچوب رژیم حقوق کیفری بین‌المللی - علاوه بر نظامهای حقوقی داخلی - تحت تعقیب و مجازات قرار گیرد. ممنوعیت پروپاگاندا برای جنگ که در ماده ۲۰ میثاق به آن تصریح شده، مرتبط با منع تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی است که از اصول اساسی منشور ملل متحد به شمار می‌رود. بند ۲ ماده ۲۰ نیز که دعوت به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی محرک تبعیض، مخاصمه یا اعمال زور نیز در همین راستا معنا می‌شود. کمیته حقوق بشر بیان می‌کند که اجرای مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق به یکدیگر وابسته است و محدودیت‌های مندرج در ماده ۲۰ با بند ۳ ماده ۱۹ نیز منطبق است. (بند ۵۰ نظریه ۳۴) همچنین دولتها باید محدودیت‌های قانونی مناسب را برای اجرای ماده ۲۰ وضع نمایند.

یکی دیگر از جرایم بین‌المللی تبعیض نژادی است. ماده ۴ کنوانسیون منع تبعیض نژادی (۱۹۶۵) بیان می‌کند که دولتها باید نشر افکار مبتنی بر تفوق یا تنفر نژادی، تحریک به تبعیض نژادی، اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد را قانوناً جرم‌انگاری و قابل مجازات بدانند. از آنجا که تبعیض نژادی بعضاً به نسل‌کشی منجر می‌شود، چنین مقرره‌ای را می‌توان گونه‌ای پیشگیری و مقابله با تحریک به نسل‌کشی نیز قلمداد نمود. ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات آپارتاید (۱۹۷۳) نیز تحریک به جنایت آپارتاید را موجد مسئولیت جزایی بین‌المللی دانسته است. آپارتاید (تبعیض نژادی) به عنوان جنایت علیه بشریت در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نیز قرار دارد.

مطابق ماده ۳ کنوانسیون جلوگیری از نسل‌کشی نیز تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل‌کشی را قابل مجازات دانسته است.

بنابراین در چهارچوب مقررات بین‌المللی فوق، بعضی اظهارات ممکن است موجب مسئولیت کیفری بین‌المللی فرد شود. گرچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مواردی نظیر تحریک به جرایم را از صلاحیت خود خارج ساخته است اما امکان اعمال صلاحیت جهانی دولتها نسبت به جرایم عرفی و قراردادی فوق منتفی نیست.

۲- حریم خصوصی

حمایت از حریم خصوصی سبب می‌شود افشای اطلاعات مربوط به زندگی خصوصی افراد، ممنوع شود و متقابلاً آزادی بیان و حمایت از منافع عمومی گاه اقتضا دارد چنین اطلاعاتی منتشر گردد! بنابراین آزادی بیان در عرصه عمومی معنا می‌یابد و حریم خصوصی در عرصه خصوصی. [۱] شاید به همین علت است که بند ۳۸ نظریه شماره ۳۶ تأکید دارد توهین به مقامات سیاسی نباید موجب مجازات شود، هرچند مقامات سیاسی نیز از

شرایط [II] میثاق بهره‌مند می‌شوند. به هر حال اشخاص حق دارند که مقامات عالی رتبه سیاسی را در معرض نقد یا مخالفت سیاسی خود قرار دهند. حریم خصوصی برای چنین اشخاصی، محدوده کوچکتری دارد که به عرف بستگی دارد.

همانطور که اشاره شد مطابق بند ۳ ماده ۱۹ میثاق نیز یکی از موارد محدودیت آزادی بیان و اطلاعات، رعایت «احترام حقوق یا حیثیت دیگران» است که در بند ۱۸ نظریه شماره ۳۴ به آن تصریح شده است و مبنای اساسی آن منطوق ماده ۱۷ میثاق است که به موجب آن «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی ... و مکاتبات خود مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد.» کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی شماره ۱۶ خود که به ماده ۱۷ میثاق اختصاص یافته، اشاره صریحی به ارتباط این ماده و ماده ۱۹ ندارد.

بند ۱۸ نظریه عمومی شماره ۳۴ بر حق دسترسی ب اطلاعات نزد نهادهای عمومی تصریح دارد، یعنی همه اطلاعات نهادهایی که خدمات عمومی را انجام می‌دهند مشمول این آزادی می‌شوند، نه فقط نهادهایی که رسماً و قانوناً «دولتی» محسوب می‌شوند. همچنین با در نظر گرفتن ماده ۱۷ میثاق درباره حریم خصوصی، هر شخصی باید بتواند تعیین کند که چه اشخاص یا مقامات دولتی یا خصوصی می‌توانند پرونده‌های وی را کنترل کنند. چنانچه اطلاعات این پرونده‌ها نادرست یا خلاف قانون باشد، اشخاص ذیربط حق دارند تصحیح آنها را بخواهند. نیز طبق ماده ۱۰ میثاق، زندانیان حق دسترسی به سوابق پزشکی خود را از دست نمی‌دهند. در زمینه حریم خصوصی زندانیان به طور ویژه می‌توان به نظریه عمومی شماره ۳۲ کمیته مراجعه نمود.

۳- توهین به ادیان

مسأله توهین به ادیان پس از انتشار کتاب «آیات شیطانی» و سپس با کاریکاتورهای دانمارکی به یکی از جنجال‌های حقوقی مربوط به آزادی بیان تبدیل شد. به علاوه بعضی اقدامات نمایشی برای هتک حرمت قرآن کریم که گونه‌ای از ابراز عقیده به شمار می‌رود، این جنجال را توسعه داد. با وجود آن که هیچ مقرره خاصی درباره توهین به ادیان یا مقدسات مذهبی در حقوق بین‌الملل وجود ندارد، بعضی دولتها مثل ایران تلاش می‌کنند جامعه بین‌المللی را نسبت به ضرورت انعقاد معاهده‌ای در این زمینه آگاه سازند. [III] به خصوص از سال ۱۹۹۹ به بعد به پیشنهاد سازمان کنفرانس اسلامی، قطعنامه‌هایی در زمینه توهین به ادیان در مجمع عمومی و کمیته رفع تبعیض نژادی به تصویب رسیده است که اغلب از حمایت کشورهای در حال توسعه برخوردار بوده و با مخالفت دولتهای غربی مواجه شده است. [IV] تعریف دین نیز یکی از اختلافات مطرح در جریان تدوین چنین اسنادی بوده است. بند ۴۸ نظریه شماره ۳۴ کمیته حقوق بشر به این موضوع اختصاص یافته و قوانین مربوط به توهین مذهبی را مغایر آزادی بیان دانسته مگر در مواردی که مشمول بند ۲ ماده ۲۰ میثاق باشد. بعضی حقوقدانان نیز با توسل به مفاد عام میثاق چنین رفتارهایی را ممنوع می‌دانند. البته تحلیل این حقوقدانان عمدتاً بر مبنای کارکرد و اثر چنین بیاناتی استوار است و نه ذات این رفتارها.

آزادی بیان در صورتی که با سایر حقوق و حتی حیثیت دیگران در تقابل باشد می‌تواند محدود گردد اما آزادی ابراز مذهب تنها زمانی می‌تواند محدود شود که با حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران در تقابل باشد. از سوی دیگر همانگونه که مشاهده می‌شود زمینه‌های محدودیت آزادی بیان بسیار گسترده‌تر از محدودیت‌های وارد بر آزادی ابراز مذهب می‌باشد. در اینجا شاید اشاره‌ای دیگر به حوزه‌های هم پوشانی آزادی مذهب و آزادی بیان بی‌مناسبت نباشد و آنکه با توجه به اینکه یکی از انواع آزادی ابراز مذهب از طریق بیان می‌باشد بنا به نظر کمیته حقوق بشر در تفسیر ماده ۱۸ «با عنایت به ماده ۲۰ میثاق هیچ گونه ابراز مذهب نمی‌بایست مصداق تبلیغ برای جنگ و یا دعوت (ترغیب) به کینه ملی، نژادی و یا مذهبی که محرک تبعیض، خصومت و یا خشونت است قرار گیرد.» بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه پیروی از دستورات مذهبی یا برای ابراز عقاید خود، نسبت به سایر افراد و یا پیروان سایر مذاهب اظهارات تنفر آمیز که محرک تبعیض، خشونت و یا خصومت باشد ابراز نمایند. [V] در ارتباط با بند ۲ ماده ۲۰ میثاق و ماده ۴ کنوانسیون منع اشکال تبعیض نژادی کشورهای چون آفریقای جنوبی، نیوزیلند، استرالیا، کانادا، انگلستان، کشورهای اسکاندیناوی و حتی دانمارک

اظهاراتی که ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی نماید و باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد را جرم تلقی می کنند. [VI] با این حال، به جهت کارکردگرایی این محدودیت، مدعی است که باید اثبات نماید بیانات اظهار شده به ترغیب کینه و تنفر می انجامد و عملاً در بسیاری از موارد به دلایل فرهنگی، در کشورهای اروپایی چنین معیاری به دست نمی آید؛ مگر آن که مسأله ترغیب به کینه و تنفر در ابعادی جهانی مطرح شود که این هم به سبب درونگرایی معمول نظام های قضایی به ندرت حاصل می شود.

۴- حمایت از مالکیت فکری

مالکیت فکری شامل حقوق ناشی از ابتکارهای ادبی-هنری و صنعتی است که از نیمه دوم قرن نوزدهم به تدریج از حمایت بین المللی (ابتدا در معاهدات دوجانبه) نیز برخوردار شد. کنوانسیون ۱۹۸۸ برن، کنوانسیون ۱۹۵۱ کپی رایت و کنوانسیون تریپس ۱۹۹۴ از جمله مهمترین معاهدات عام در این زمینه هستند. همچنین بند یک ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تکرار بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق هر کس را برای «بهره مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی - ادبی یا هنری که مصنف (صاحب اثر) آن است» به رسمیت شناخته است. به طور خلاصه می توان گفت یک اثر به شرط اصالت (ابتکاری بودن) [VII] و صورت محسوس از حمایت بهره مند می شود. همچنین به طور معمول در صورتی که اثر با حمایت و سفارش شخص دیگری (مثل سازمانها یا رسانه ها) پدید آمده باشد، حقوق مادی آن به سفارش دهنده تعلق دارد. حقوق معنوی ناشی از مالکیت فکری شامل حق انتشار، حق انتساب، حق جلوگیری از انتساب دروغین اثر (معکوس حق انتساب)، حق تمامیت یا حرمت اثر، حق عدول یا استرداد می باشد. حقوق مادی ناشی از اثر نیز به پدیدآورنده اختصاص دارند از جمله حق تکثیر، عرضه، تعقیب منافع و... . حقوق مادی برخلاف حقوق معنوی فوق قابل نقل و انتقال و موقتی هستند. برخی کشورها مثل انگلستان قوانین جزئی تری مثلاً درباره رضایت مصاحبه شونده برای پخش مصاحبه تنظیم نموده اند و در برخی موارد این مقررات از نوع مقررات انتظامی و حرفه ای است. با این حال، مطابق دکترین استفاده منصفانه، استفاده های غیرانتفاعی مثل نقد، آموزش غیرانتفاعی و تحقیقات علمی مشمول حقوق مادی فوق نمی شوند. حتی علائم تجاری نیز مشمول حقوق مالکیت فکری خواهند بود. بنابراین در مجموع انتظار می رود هر رسانه ای در فعالیت بین المللی خود به حقوق ناشی از مالکیت فکری صاحبان آثار و رسانه های دیگر توجه کافی را داشته باشد. البته در فقدان موافقت نامه های مخصوص، امکان تعقیب بین المللی نقض این حقوق وجود ندارد، ضمن این که حدود حمایت بین المللی نیز در بسیاری موارد مشمول عرف فعالیت های رسانه ای است. برای نمونه پخش مستقیم یک مسابقه ورزشی که اجازه پخش آن از طریق مزایده و به طور انحصاری به فروش می رسد انحصاراً در اختیار رسانه خریداری کننده است و سایر رسانه ها بدون اجازه رسانه مزبور، حق پخش مستقیم را نخواهند داشت.

۵- اخلاق حرفه ای

اخلاق عمومی به عنوان یکی از محدودیت های آزادی بیان، یک معیار ملی است اما روزنامه نگاران به این سطح اکتفا نکرده و تلاش نمودند قواعدی فراملی در زمینه اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری تدوین کنند. این قواعد حداقل به طور غیررسمی، رسانه ها را به خویش شدن داری در انتشار بعضی اخبار و اطلاعات، فرامی خواند. قواعد اخلاق حرفه ای معمولاً بیان جزئی تر قواعد حقوقی هستند. تدوین قواعد اخلاق حرفه ای قاعدتاً باید توسط صاحبان حرفه انجام شود. جامعه روزنامه نگاران حرفه ای (SPJ) در اصول اخلاقی منتشر شده سال ۹۶ بیان می - کند که تحریف اخبار، جایز نیست. همچنین مناسب است کسانی که نامشان در خبر آمده فرصت اظهار نظر داشته باشند. برای کسب اطلاعات از منابع متعدد استفاده شود. تیتراژ، عکس و نقل قول به طور گمراه کننده منتقل نشود. ویرایش عکس و فیلم فقط به دلایل فنی باشد و چیزی تحریف نشود. اطلاعات به صورت محرمانه جمع آوری نشود و خبرنگاران دزدی ادبی نیز نکنند. تحلیل و یادداشت به طور مشخصی از خبر جدا شود و... به طور کلی از ۱۹۷۰ به بعد تلاش های سازمان های غیردولتی و یونسکو برای ترویج اخلاق حرفه ای جهانی

افزایش یافت. این تلاشها بر این مبنا بود که رسانه ها نقشی جهانی ایفا می کنند و باید مسئولیت این نقش را هم بپذیرند و به شهروندان جهانی خدمت رسانی کنند.

مهم ترین تئوری ارتباط جمعی

مهم ترین تئوری ارتباط جمعی به قرار زیر است (بایدها و نبایدهای حاکم بر وسایل ارتباط جمعی)

- ۱- تئوری استبدادی
- ۲- رسانه های آزاد
- ۳- مسئولیت اجتماعی
- ۴- رسانه های شوروی
- ۵- رسانه های توسعه بخش
- ۶- تئوری مشارکت دموکراتیک

۱- تئوری استبدادی

- در این تئوری حاکمان به صورت دستوری عمل می کنند و مهمترین اصول آن:
- الف- رسانه ها نباید کاری کنند که باعث تحلیل رفتن دولت موجود گردد و یا برای نظام ایجاد مزاحمت کند.
 - ب- رسانه ها باید تابع قدرت باشند.
 - ج- رسانه ها که باید از توهین به ارزش ها پرهیز کنند.
 - د- سانسور موجود است
 - ه- حمله به دولت انحراف از سیاست های دولت می باشد.
 - ک- روزنامه نگاران استقلال ندارند.
- مهمترین وسایلی که دولت حاکم می تواند کنترل رسانه ها را به عهده داشته باشد.
- ۱- وضع قانون ۲- کنترل بدون واسطه تولیدات ۳- وضع مالیات و انواع مجازات اقتصادی

۲- تئوری رسانه های آزاد

- ۱- نشریات از هرگونه مداخله و سانسور مبرا هستند.
- ۲- نشر و توزیع برای هر فرد بدون پروانه انتشار و مجوز مجاز است.
- ۳- حمله به دولت و مقامات سیاسی نباید مجازاتی در پی داشته باشد.
- ۴- در انتشار نباید اجباری حاکم باشد.
- ۵- وضع قوانین جهت محدودیت رسانه ها محدود است
- ۶- روزنامه نگاران و اصحاب رسانه ها باید استقلال حرفه ای داشته باشند.

۳- تئوری مسئولیت اجتماعی

- ۱- رسانه ها باید برخی الزام های عملی از قبیل اطلاع رسانی درست و مبتنی بر واقعیت را قبول کنند.
- ۲- رسانه ها باید از مطرح کردن جنایت و خشونت های اجتماعی و توهین به اقلیت پرهیز کنند.
- ۳- جامعه و مردم حق دارند خواستار ضمانت اجرایی علیه مداخله رسانه ها در امنیت ملی باشند.

۴- تئوری رسانه های شوروی

- ۱- رسانه ها باید در خدمت کارگران و زحمتکشان باشد
- ۲- رسانه ها نباید به مالکیت خصوصی سپرده شوند.

- ۳- رسانه‌ها باید در سوسیالیزه کردن جامعه و بسیج همگانی خدمات نوینی معرفی نمایند.
- ۴- جامعه در مورد مجازات‌های رسانه‌هایی که علیه امنیت جامعه اقدام کرده‌اند حق دخالت قانونی دارد.
- ۵- اهداف روزنامه‌نگاران باید مطابق مصادیق جامعه باشد.

۵- رسانه‌های توسعه بخش

- ۱- کمک مطبوعات به کمک اهداف توسعه
- ۲- استفاده از رسانه‌ها برای استفاده هویت فرهنگی
- ۳- استفاده از مشارکت عمومی در خلق پیام
- ۴- درهم آمیختن آزادی با مسئولیت اجتماعی از سوی آفرینان
- ۵- آزادی براساس اولویت اقتصادی و نیازهای توسعه باشد
- ۶- مداخله و محدودیت رسانه‌ها توسط دولت به نفع توسعه
- ۷- کنترل غیرمستقیم از طریق یارانه

۶- تئوری مشارکت دموکراتیک

- ۱- تاکید بر آزادی خواهی و مساوات طلبی
- ۲- مخالفت با تمرکز مالکیت رسانه‌ای
- ۳- مخالفت با مداخله دولت در امور رسانه‌ای
- ۴- تاکید بر مشارکت رسانه‌ها

دیدگاه‌های کشورهای نسبت به حقوق و آزادی مطبوعات

آزادی بیان در تمام قوانین اساسی کشورهای دنیا به عنوان یک حق اساسی آمده است.

بلوک غرب- تحت عنوان حقوق مدنی و سیاسی

حقوق بشر ۳ نسل دارد ۱- بیشتر به رهبری آمریکا- فرانسه و انگلیس است و رنگ آنها آبی است و بحث آزادی را پیش می‌کشند و در ارتباط با دولت مدعی هستند که دولت در روابط اجتماعی نباید مداخله داشته باشد مثل آزادی بیان و اندیشه و مطبوعات و تحت عنوان حقوق مدنی و سیاسی است که به آن نگاه می‌کنند و اروپایی‌ها نظرشون روی نسل اول است.

- ۲- بلوک شرق بود مثل چین و شوروی- کوبا- ونزوئلا و متذکر بودند که دولت حتماً باید در اجتماعات مداخله داشته باشد و رنگ آنها سرخ بود و تحت عنوان اقتصادی و اجتماعی از آن یاد می‌کردند و صحبت آنها این بود که دولت در تمام این موارد ورود می‌کند در ساخت بیمارستان، مدرسه،... درواقع تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.
- ۳- کشورهای جهان سوم مثل ایران- هند و پاکستان بودند که نخست هویت فرهنگی و حق هوای پاک- محیط زیست سالم و صلح را مطرح کردند و می‌گفتند علاوه بر آزادی و این موارد بحث هویت فرهنگی هم خیلی مهم است.

مبنای آزادی اطلاعات

- ۱) شفافیت: زمانی مردم می‌توانند در حکومت مردم‌سالاری مشارکت کنند و دارای بصیرت خواهند بود که عملکرد حکومت به صورت شفاف در اختیار مردم قرار بگیرد.
- ۲) مشارکت مردمی و نظارت همگانی در ارتباط بین مردم و حکومت، حاکمان دارای حاکمیت هستند ولی می‌توانند سوءاستفاده از قدرت نمایند لذا باید از مبادی مختلف تحت کنترل باشند و این جزء با دسترسی مردم به اطلاعات به صورت آزاد امکان‌پذیر نیست.
- ۳) مبارزه با فساد: اگر مردم از دسترسی آزاد به اطلاعات بهره ببرند فساد اداری، اقتصادی کمتر خواهد شد و فرهنگ

پنهان کاری و اسرار باید از بین رود و به نوعی اسرارگرایی نباید در پشت حکومت باشد.

۴) تعلق اطلاعات به مردم: در حکومت مردم سالارانه مردم باید حق گرفتن اطلاعات را داشته باشند.

۵- پاسخگویی به اطلاعات: پرسش کردن زمانی به وجود خواهد آمد که پرسش و سوالی در میان باشد و حاکمیت و دولت مکلف به پاسخگویی به مردم هستند و دولتها باید اطلاعات را برای اثبات حرفشون به مردم در اختیار قرار دهند حق دسترسی آزاد به اطلاعات با حق خلوت مردم/ حریم خصوصی و امنیت ملی تعارض پیدا می کند و افراط و تفریط در این کار نبایستی باشد.

استثناءها و محدودیت های وارده به دسترسی اطلاعات شامل موارد زیر است

۱- امنیت ملی ۲- اسرار دولتی ۳- حریم خصوصی ۴- ایمنی و سلامت مردم ۵- محیط زیست که در اسناد هم آمده یکی از مصادیقی که در امنیت های ملی تاثیرگذار است اغتشاشات است که در اصل ۹ قانون اساسی به آن پرداخته شده و بسیار مهم است.

۱) امنیت ملی در تمام کشورهاست و به موجب قانون مشخص می شود مامورین دولت نمی توانند سر خود به این امر دامن بزنند.

۲- اسرار دولتی: دسترسی به اطلاعات طبقه بندی شده امکان پذیر نیست و سازمان ها و ارگان ها باید از در اختیار گذاشتن آن خودداری نمایند. معیارهای احراز مشروعیت محدودیت آزادی اطلاعات ۱- به موجب قانون بودن: هر جا دسترسی آزاد به اطلاعات محدود شود حتما باید قانون گذار شرایط دسترسی را مشخص کند به نوعی تشخیص امنیت ملی برعهده ماموریت دولت نیست.

۲- ضروری بودن: در بحث محدودیت حق دسترسی به آزادی اطلاعات، محدودیت باید ضروری باشد- تشخیص ضروری بودن را باید قانون گذار مشخص نماید.

۳- آخرین وسیله بودن: آخرین راه دسترسی به آزادی اطلاعات آخرین راه حل باید باشد نه اولین را

۴- اکثر نبودن از اصل: نباید استثناء به اصل تبدیل شود و بالعکس

۵- مبهم نبودن: باید قانون گذار هر جا که خواست محدودیت ایجاد کند تا شفافیت و روشن باشد.

۶- محدودیت کننده نه حذف نمودن: به نوعی نباید که با وضع محدودیت ها حق دسترسی آزاد به اطلاعات حذف شود.

مسئولیت کیفری: مبرم

مسئولیت اخلاقی: بحث جامعه و اجتماع است

مسئولیت مدنی: دولت و کارمندان دولت

مسئولیت حقوقی: می تواند قرار داده باشد یا غیر قرارداد مثل بحث

معیارهای مشروعیت، احراز محدودیت ای آزادی اطلاعات

۱- به موجب قانون بودن حتما هرگاه دسترسی آزادی اطلاعات و اسناد محدود شود قانون گذار بایستی وارد شود و تشخیص محدودیت ها به عهده قانون گذار است.

۲- ضروری بودن: حتما در بحث محدودیت حق دسترسی آزاد اطلاعات بایستی ضرورت داشته باشد تشخیص ضروری بودن آن را بایستی قانون گذار تشخیص دهد.

۳- وسیله بودن: دسترسی آزاد اطلاعات محدود نشود و اگر موردی بود آخرین راهکار باشد.

۴- اکثر نبودن از اصل: استثناءها و محدودیت ها به گونه ای باشد که استثناء شود اصل یا برعکس

۵- مبهم نبودن: باید قانون گذار هر جا خواست محدودیت دسترسی آزاد اطلاعات ایجاد کند باید صراحت و شفافیت داشته باشد.

۶- محدودکننده بودن و نه حذف کردن: نباید با وضع محدودیت ها آن حق دسترسی به اطلاعات حذف شود.

قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ تدوین شده که دولت و کارمندان خود باید در خسارات مادی و معنوی را جبران

کنند و این خسارات عملی و یا نتیجه بی‌اختیار می‌باشد.

بنیادی‌ترین حقوق و سایلی ارتباط جمعی (آزادی بیان است)

در حق دسترسی آزادی به اطلاعات چند نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد.

۱- عدم الزام متقاضی اطلاعات به ارائه دلیل: دسترسی آزاد به اطلاعات خبر حقوق شهروندان و خبر تکلیف موسسات عمومی و دولتی است که دارنده حق نیاز به موجه‌سازی نیست نقض کننده تکلیف باید توجیه کند.

۲- اتخاذ تدابیری ترویجی و مبارزه با فرهنگ اسرارگرایی: با برگزاری کلاس‌های آموزش‌های ضمن خدمت- دسترسی به اطلاعات حق شهروندان است- در زمینه اسرارگرایی فرهنگ‌سازی کنیم. هر دستگاهی یک مأمور اطلاع‌رسانی بگذارند و زمینه موثر خواهد بود. می‌تواند به فرهنگ اسرارگرایی کمک کند.

چالش‌های حقوقی پخش ماهواره و دیدگاه‌های مختلف

دو دیدگاه بین کشورها در این خصوص وجود دارد که یکی از چالش‌های مهم حقوقی دهه‌های اخیر بوده است. بعضی کشورها معتقدند جریان آزاد اطلاعات در راستای پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای ایجاب میکند که همه کشورهای دنیا برنامه‌های خود را برای مخاطبان مختلف در دیگر کشورها ارسال کنند و کسی مانع آن نشود.

دیدگاه دوم اینست که عده‌ای از کشورها معتقدند که: پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای میتواند برای منافع ملی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مختلف تاثیر منفی داشته باشد و باعث میشود تا در برنامه‌های فرامرزی به منافع حاکمیت‌ها و سلطه آسیب برسد. در سال‌های اخیر یکی از چالش‌های حقوقی بین کشورها و مولفه‌هایی که در حقوق بین الملل به آن اشاره خواهیم کرد در مورد این دو دیدگاه بوده است. دیدگاه دوم جهات مثبت و منفی آنرا براساس دو نظریه مطرح میکند.

اصل جریان آزاد اطلاعات: کشورها در نقش انتشار اخبار آزادند. این اصل تصریح میکند که احترام به حاکمیت دولتها در کنار پخش آزاد اطلاعات از طریق برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی نیازمند اصول بین المللی مثل احترام به فرهنگ ملل مختلف و تفاوت کشورهای دریافت کننده میباشد.

آمریکا و انگلیس از طرفداران اصل جریان آزاد بودند و در دهه اخیر در کشورهای اروپایی و جهان سوم این اصل را همراه یا بیشتر از مقررات بین المللی بصورت یکسویه مورد تاکید قرار دادند. آنها معتقد بودند باید محدودیت قانونی باشد زیرا کسانی که مخالف صلح و امنیت جهانی هستند با استفاده از اصل جریان آزاد نتوانند صلح جهانی را تهدید کنند و مخل مبانی و مفاهیم دولتها شوند.

اغلب کشورها ضمن اینکه اصل آزادی اطلاعات را قبول دارند اصل حاکمیت‌ها را نیز به آن احترام می‌گذارند و براساس همین اصل حقوق بین المللی تاکید میکنند که دولتهای ارسال کننده برنامه‌های ماهواره‌ای باید از ایجاد ضربه به ارزشهای دیگر کشورها پرهیز کنند.

در ۵۲ جلسه حقوق بین الملل در هلنسکی فنلاند دولتها به ایجاد اختلال و پخش پرازیت در آن دسته از برنامه‌های ماهواره به رسمیت شناخته شده که به لحاظ مضمون شان روابط دوستانه ملتها را به مخاطره می‌اندازد تاکید شد. کنوانسیون اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور دولتها در شرایط خاصی این حق را دارند برای جلوگیری از زیان به منافع خود از پخش برنامه‌های تلویزیون جلوگیری کنند. هرچند این عمل نامشروع است ولی براساس بند ۳ ماده ۴۷ حقوق بین المللی کشورها میتوانند با ایجاد اختلال و پرازیت در پخش برنامه‌های ماهواره بعنوان اقدام متقابل در جهت منافع ملی خود مانع این نوع برنامه‌ها در کشور خود شوند و در این مورد دو فرض وجود دارد.

۱- مقابله با برنامه‌های ارسالی از ماهواره به لحاظ حاکمیت دولتها به منزله تخلف بین المللی موجب نمیشود. یعنی دولتها میتوانند مانع برنامه‌های تجاری یا برنامه مخالف مصالح حاکمیت دولتها باشند تمهیداتی را در نظر بگیرند.

۲- واکنش در برابر برنامه‌های پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی ناقض اصل جریان آزاد باشد. در اینصورت دولت گیرنده با ایجاد اختلال از منافع ملی خود دفاع کند تا دولت ارسال کننده را به توقف ارسال برنامه وادار کند.

تعهدات بین المللی با برنامه‌های متناقضی درباره جریان اصل آزاد اطلاعات نمی‌داند. دولت متضرر اجازه اقداماتی در مقابل دولت ارسال کننده ایجاد کند. کشورها در پخش برنامه‌های ماهواره‌ای تعهدات بین المللی را احترام بگذارند و از این ابزار بعنوان حربه استفاده کنند. اگر پخش پرازیت در امواج باعث دریافت نشدن برنامه ماهواره در قلمرو دولت ذیربط

شود دولت راسا و بدون مذاکره به چنین اقدامی مبادرت ورزد اما بهتر است درخواست توقف ارسال برنامه‌های ماهواره را به کشور فرستنده انجام دهد تا از پخش برنامه جلوگیری شود.

پارازیت یا ایجاد اختلال در برنامه‌های ماهواره‌ای مباحث زیادی را در سازمان ملل به خود اختصاص داده و از نظر حکومتی اغلب کشورهای عضو مواردی را که نباید این نوع برنامه‌ها پخش شود شامل موارد زیر است:

۱- برنامه‌هایی که پخش مستقیم در امور داخلی و سیاست خارجی کشورهای گیرنده پخش شود ممنوع است.

۲- تبلیغاتی که مضر به صلح جهانی و امنیت باشد.

۳- برنامه‌هایی که به شرافت و حیثیت فردی حمله میکند ممنوع است.

۴- برنامه‌هایی که در صدد تخریب برنامه فرهنگی و مذهبی کشور گیرنده باشد ممنوع است.

۵- برنامه تبلیغاتی و پخش آگهی که براساس واقعیت و متضمن برنامه‌های علمی و آموزشی نباشد ممنوع است.

کمیته کوپرس جلسات مختلفی را در مورد مسئولیت بین المللی دولتها در قبال پخش برنامه تلویزیونی با اکثریت آرا تصویب کرد و کشورهای عضو را مجاب کرده الزامات و تعهدات بین المللی را در ارسال برنامه‌های ماهواره رعایت کنند و برنامه‌های فرامرزی خود را با حفظ و رعایت اصول طوری پخش کنند که اختلاف برانگیز نباشد و مصالح دیگر کشورها را رعایت کند.

نخستین مقاومت‌ها در مورد برنامه‌های ماهواره‌ای

نخستین مقاومت‌ها در مورد برنامه‌های ماهواره‌ای توسط کشورهای اروپایی و بعضی از کشورهای جهان سوم در راستای انحطاط فرهنگی و فکری انجام شد. این کشورها از جمله فرانسه و اسپانیا احساس کردند که برنامه‌های ماهواره-ای فراملی یا برنامه‌های ماهواره‌ای آمریکا زبان، فرهنگ و زبان فرانسوی و اسپانیایی را مورد هجوم قرار داده است و به همین دلیل کشورهای اروپایی مثل اسپانیا و فرانسه تاکید میکردند که باید از این نوع برنامه‌ها که از دور دست وارد جامعه میشود و به نوعی با ارزشهای فرهنگی کشورهای اروپایی مطابقت ندارد برخورد شود. به همین مناسبت در سال ۱۹۸۱ میتران رئیس جمهور فرانسه در استراسبورگ اعلام کرد که برای حفظ فرهنگ اروپایی باید از ماهواره‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای اروپا حمایت شود.

سپس در کشورهای جهان سوم هم عده‌ای از کشورها به علت اینکه برنامه‌های ماهواره‌ای باعث از بین رفتن هزینه‌های فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی در آن جامعه میشود یعنی اینکه تبلیغات فروش کالاها چه تبلیغات بازرگانی، تجاری و سپس تبلیغات سیاسی باعث میشود این کشورها ورشکسته شوند یا نظام سیاسی آنها مورد خدشه قرار گیرد نسبت به صدور (ارسال برنامه‌های ماهواره‌ای واکنش نشان دادند. در این راستا این کشورها سعی کردند براساس تمهیداتی نسبت به جریان یکسویه اطلاعات واکنش نشان داده و سازمان ملل و جامعه جهانی هم دو دیدگاه را در این زمینه مطرح کردند زیرا تبلیغات این برنامه‌ها بعنوان عاملی برای فتح بدون خونریزی در کشورهای دیگر تلقی میشد. استفاده از ماهواره و جنگ روانی توسط فرستنده‌های ماهواره‌ای هدفهای سیاسی و نظامی برای کارگزاران آنرا فراهم میکرد.

همانطور که میتران در استراسبورگ گفت: برنامه‌های ماهواره‌ای فراملی آمریکا را فرصتی برای از بین بردن زبان و فرهنگ فرانسوی و اسپانیایی دانست که اروپا نباید تسلیم امواج سیل آسای تصاویر و عقاید ارسالی از خارج اروپا شود. کشورهای درحال توسعه هم این نوع تبلیغات سیاسی برای حاکمیت‌های خود را خطرناک و از آن بعنوان تهدید رسانه‌های فرامرزی نام بردند زیرا با این ابزار نوین مخالفین جایگزین خوبی را بعد از رادیو برای تبلیغات افکار و عقاید خود در سرزمینهایی که دسترسی به آن مشکل بوده است پیدا کرده بودند چون تاثیر صوت و تصویر در زمینه اقتصاد، تبلیغات بازرگانی رسایی بیشتری از تبلیغات شنیداری دارد.

دارندگان تلویزیونهای ماهواره‌ای به تجربه در زمان اندک توانسته بودند با تبلیغ کالاهای خارجی گرایش به استفاده از آن را در کشورهای دیگر بیشتر کنند و حتی موجب ورشکستگی برخی کشورها شوند و در زمینه تبلیغات سیاسی هم این بازار یعنی ماهواره موثر بوده است.

بعضی از کشورها بخاطر جریان آزاد اطلاعات و طرفداری از آن معتقد بودند که نباید مانع پخش برنامه‌های ماهواره-

ایی شد و جریان آزاد اطلاعات در جهت انتشار اخبار و عقاید و توسعه افکار عمومی میباشد. همان کشورها مثل آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بعدها بعنوان کسانی که این ابزار ممکن است در اختیار فعالیتهای ضد بشری و کارکرد تروریستی داشته باشد موجب برهم زدن امنیت و صلح جهانی دانسته اند و از نظرات خود با این نگاه که باید مقررات و ضوابطی ملی و بین المللی در این مورد بوجود آید عقب نشینی کردند زیرا معتقد بودند که ارسال پیامهای متفاوت از سوی این گروهها ممکن است خطراتی را در حوزه حاکمیت ها و در سطح جهانی بوجود آورد و آسیب پذیری آن را در راستای جریان آزاد اطلاعات و تبلیغ این موضوع میتواند به نفع صلح جهانی و همکاری کشورها نباشد و براین اساس دو نظریه در سازمان ملل مطرح شد.

اصل حاکمیت دولتها در این راستا است که همه کشورها بعنوان حوزه سرزمینی در قلمرو خود منافعی را دارند که هیچگونه کشوری حق ندارد به زور یا با دخالت یا بوسیله امواج در امور داخلی آن دخالت کند مگر با رضایت قبلی و براساس عین اصل پخش برنامه های رادیو و تلویزیونی فرامیزی برای کسانی که در آن قلمرو زندگی میکنند را از حقوق مسلم آن کشور میدانند. حقوق بین الملل معتقد است اصل حاکمیت و قدرت اداره مملکت و اصل استقلال همراه با عدم نفوذ قدرت خارجی و دخالت آن در امور داخلی کشورها میباشد و براساس ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد کشورها براساس حاکمیت سرزمینی دولتها میتوانند مقررات داخلی داشته و توسط مقررات بین المللی حاکمیت آنها محدود نمیشود مگر در زمینه حقوق بشر و عقاید و نگرشهای سیاسی و مذهبی که کشورها با توجه به ریشه عرفی و بین المللی آنان در این زمینه متعهد میباشند.

سازمان ملل هرگونه تهدید و بکارگیری زور علیه قلمرو دیگر کشورها را ممنوع کرده و دولتها را از مداخله درباره انتخابات نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تعیین روابط خارجی دولتها برحذر داشته و دولتها را در تعیین سرنوشت خود آزاد میداند و هیچکس نمی تواند با ابزار تبلیغاتی اعم از رسانه های مکتوب، شنیداری، دیداری و.... براساس قطعنامه ۱۱۰ سازمان ملل و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مردم داخل یک کشور را تحریک یا با برهم زدن نظم و آرامش کشور آنها را تشویق به شورش بر علیه نظام حاکم توسط ابزار رسانه ای نماید.

همچنین اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور از تمام کشورهای عضو پیمان خواسته که استفاده از امواج را در جهت منافع صلح آمیز و بمنظور حسن تفاهات بین المللی بهره برداری کند و چنانچه برنامه یا برنامه هایی مخل منافع عمومی و ملی یک کشوری باشد در صورت لزوم از پخش آن جلوگیری کند.

با توجه به حقوق بین الملل و اصل حاکمیت کشورها برای پخش برنامه های ماهواره ای باید رضایت دریافت کنندگان را بدست آورد تا این جریان آزاد اطلاعات خدشه ای به منافع ملی و عمومی کشورها وارد نکند و در جهت تخریب و ایجاد ضربه به ارزشها و پایبندی های اخلاقی و فرهنگی دیگر کشورها برنامه های ماهواره ای ارسال نشود. سوءاستفاده از این موضوع براساس مقررات بین المللی تقبیح شده است و کشورهای دریافت کننده را به علت تاثیری که میتواند این نوع برنامه ها در مداخله امور فرهنگی آنها داشته باشد ضمن رعایت اصل آزادی جریان اطلاعات حق میدهد که با آن مقابله کنند براساس اصل حاکمیت چهار فرضیه در مورد حاکمیت بر فضای بالای جو شکل گرفته است:

فرضیه اول: قلمرو هوایی بطور کلی آزاد است و تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست.

فرضیه دوم: یک قلمرو هوایی تحت مالکیت دولتهای ذیربط وجود دارد مثل قلمرو دریایی و خشکی یا یک منطقه هوایی محسوب میشود که هم آزاد است و هم کشورها در مقابل آن مسئول هستند.

فرضیه سوم: دولتها در برابر مرزهای خشکی و دریایی تاهرکجا که میرود مرز هوایی آنها محسوب میشود.

عبور بی ضرر هوایی کشورهای مختلف بر فراز قلمرو هوایی دولتهای دیگر بلامانع است ضمن آنکه حاکمیت ها باید در این راستا با یکدیگر همکاری نمایند اما در فضای ماورای جو هیچگونه حقی برای هیچ کشوری در مورد فضای ماهواره های جو وجود ندارد و براساس قطعنامه ۱۹۶۲ و ۱۸۰۲ مجمع عمومی دولتها میتوانند جهت اکتشاف و استفاده ماهواره های جو همکاری کنند و حقوق بین الملل در راستای صلح جهانی و توسعه فضای ماهواره های جو هیچگونه حاکمیت و حقی برای هیچ کشوری در این فضا قایل نیست. اما هرگونه خسارت وارده در پرتاب ماهواره یا اجرامی که به فضای جو ارسال میشوند به کشورها وارد کند مسئولیت بین المللی آن برعهده دول پرتاب کننده میباشد. اصل حاکمیت در بدو امر حق صلاحیت انحصاری بر قلمرو کشور و امواج به دولتها اعطا میکند و براساس همین اصل دولتها از فن آوری های نوین

ماهواره‌ایی می‌توانند با رضایت یکدیگر در جهت منافع مشترک و رعایت قوانین اتحادیه بین المللی ارتباطات راه دور فرکانسهای که موجب اختلال در دریافت این برنامه ها نشود استفاده بهینه داشته باشند بدون آنکه تعارضاتی در این زمینه بین آنها بوجود آید

هم اکنون پخش مستقیم برنامه‌های ماهواره‌ای حدود ۱۰ سال اخیر یکی از موضوعاتی است که مورد توجه تمام کشورها در سطح جهانی بوده است. عده‌ای از کشورها با نگاه آزاد و مجاز بودن پخش برنامه‌های ماهواره و عده‌ای این نوع برنامه‌ها را طرد و ممنوع کرده‌اند. براین اساس در بعضی از کشورهای آسیا و اسلامی تمهیداتی با عنوان سیاستهای ماهواره‌ای بوجود آمده کشورهای آسیایی را میتوان به ۶ گروه از نظر سیاستهای ماهواره‌ای تقسیم کرد:

۱- کشورهایی که ماهواره را مجاز میدانند و حتی برای دریافت ماهواره تمهیداتی برای اتباع خود فراهم می‌آورند
مثل: اسرائیل، کویت، سنگاپور، هنگ کنگ

۲- کشورهایی که برای دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای و بشقاب ماهواره‌ای مالیات و عوارض در نظر گرفته‌اند که از درآمد حاصل از آن فعالیتهای رقابتی نیز برای داشتن ماهواره مستقل انجام دادند. مانند: پاکستان

۳- کشورهایی که هیچگونه محدودیت برای دریافت برنامه‌های ماهواره‌ای قایل نشده‌اند و مجاز دانسته و دست به اقداماتی رقابتی زده‌اند. مثل: هند، اندونزی، سریلانکا و کره جنوبی

۴- کشورهایی که با استفاده از نرم افزار یا سخت افزاری ممنوعیت قانونی ایجاد کرده‌اند. مانند: ژاپن و چین

۵- کشورهایی که ممنوعیت های قانونی ایجاد کرده اند اما به راه حلهایی رقابتی نیز دست زده‌اند. مانند: عربستان، بحرین، قطر و امارات و مالزی

۶- کشورهایی که ماهواره در آن مجاز ندانسته و خود نیز هیچگونه اقدامات و رقابتی برای این منظور در دست اقدام ندارد. مانند: کره شمالی

در ایران در دو دهه اخیر بین مجلس و مسئولین دو نگرش نسبت به ماهواره وجود داشته است. عده‌ای آنرا ممنوع و در مقابل با ارزشهای ملی و مذهبی دانسته و به هیچ وجه برنامه‌های ماهواره‌ای را به صلاح مردم ایران نمیدانند. عده‌ای دیگر خواستار گزینش برنامه‌ها از ماهواره در راستای نقصان و کمبود محتوای برنامه‌های شبکه‌های داخلی میباشد و معتقدند که دولت یا صدا و سیما در جهت رفع نقصان و محتوای برنامه‌های داخلی، برنامه‌هایی از ماهواره را بصورت گزینشی باتوجه به ویژگیهای فرهنگی برای مخاطبان داخلی پخش کنند. رویکرد سیاسی و فرهنگی به وضعیت ماهواره منجر به تصویب قانون ممنوعیت تجهیزات دریافت ماهواره در ۲۶ مرداد ۷۳ و ابلاغ آنی توسط دولت شد ولی این قانون که بعداً اشاره میشود نتوانسته مانع دریافت برنامه های ماهواره‌ایی در ایران شود بطوریکه امروزه ۶ میلیون خانوار از بشقاب ماهواره‌ایی برخوردارند و در خلوت خود دسترسی کنترل نشده‌ای به کانالهای ماهواره‌ایی دارند.

i[i]

ii[ii] Provisions

iii[iii] <http://www.191262>

iv[iv] <http://www.icana.ir/Fa/News/191262>

v[v] آزادی بیان در

vi[vi] همان.

vii[vii]

نکات مهم

نخستین کنگره بین‌المللی مطبوعات

نخستین گردهمایی «کنگره بین‌المللی مطبوعات» در سال ۱۸۹۴ با شرکت نمایندگان ۱۸ کشور اروپایی، آمریکایی (ایالات متحده و آرژانتین) و زلاند نو، در بندر آنور بلژیک تشکیل شد. مهمترین تصمیمات اجلاسها در طول فعالیت‌های آن از ۱۹۸۴ تا ۱۹۱۹ عبارتند از: سازماندهی انجمن‌های مطبوعاتی در کشورهای مختلف و توسعه همکاری‌های آنها، چگونگی محدودیت‌ها و جرایم مطبوعاتی، دفاع از حقوق مالکیت ادبی در مطبوعات، شیوه‌های تسهیل حمل و توزیع مطبوعات، تشکیل اتحادیه انجمن‌های مطبوعاتی، اقدام برای تقلیل نرخ‌های پستی محمولات مطبوعاتی، آموزش حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، وضعیت حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری، ضرورت صدور کارت هویت حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران، حمایت از اصل حفظ اسرار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، بهبود شرایط کار روزنامه‌نگاران و تأمین اجتماعی آنان، ایجاد دادگاههای شرافت حرفه‌ای، تدوین و اجرای اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری و تأسیس مدارس عالی روزنامه‌نگاری بود.

کنفرانس بین‌المللی ژنو راجع به نقش مطبوعات در تفاهم بین‌المللی

مهمترین اقدام «جامعه ملل» در مورد استفاده از مطبوعات در حفظ صلح و امنیت جهانی، تشکیل کنفرانس ژنو در سال ۱۹۲۷ بود. در این کنفرانس، ۶۳ کارشناس از ۳۸ کشور جهان گرد هم آمدند و به منظور کاهش خطرات سوء تفاهم‌های بین‌المللی، برای بهبود همه‌جانبه انتقال اطلاعات و حل مجموعه مسایل مربوط به مطبوعات، به مذاکره پرداختند. در پایان کار کنفرانس قطعنامه‌هایی در مورد بهبود شرایط کار حرفه‌ای مطبوعات و مبارزه با اخبار نادرست و مغرضانه به تصویب رسیدند. جامعه ملل به این اقدام اکتفا نکرد و به کمک مطبوعات، تحقیق دامنهداری درباره وسایل مبارزه علیه «انتشار اخبار نادرست و مخل صلح و تفاهم بین‌المللی» آغاز نمود و مشخص نمودند که عامل اقتصادی، در آزادی اطلاعات نقش مهمی دارد. همچنین کمیته‌ای برای مطالعه درباره مبارزه علیه «اخبار نادرست» و تأسیس یک «دادگاه بین‌المللی روزنامه‌نگاری» از اهم اقدامات این کنفرانس بود.

اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور UIT

این اتحادیه در سال ۱۹۳۲ تشکیل شد دارای ۲۰۰ کشور عضو می‌باشد و هدف از تشکیل آن ایجاد هماهنگی وسایل و تجهیزات اصلی ارتباطات دور، مانند تلفن، تلگراف و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی و همچنین ارتباطات جدید الکترونیکی در صحنه بین‌المللی می‌باشد.

عناصر اساسی آزادی

- ۱ - آزادی فعالیت حرفه‌ای، ۲ - مسئولیت اجتماعی وسایل ارتباط جمعی، ۳ - حراست استقلال این وسایل در برابر حکومت،
- ۴ - اهمیت عامل اقتصادی در آزادی وسایل ارتباط جمعی، ۵ - مبارزه در راه صلح و تفاهم بین‌المللی از طریق وسایل ارتباطی

متن مقدمه منشور ملل متحد:

ما ملل متحد مصمم هستیم که نسل‌های آینده را از خطر و بلایای جنگ که دو بار افراد بشر را دچار مصیبت کرده، حفظ کنیم. لذا اعلام می‌کنیم که افراد بشر و همه ملت‌ها اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ با هم برابرند و برای همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ صلح و امنیت باید در رفع مسایل آنها از هر طریقی به جز توسل به خشونت، زور و سلاح، استفاده کنیم.

ماده اول منشور ملل متحد (سه بند اول)

- ۱ - حفظ صلح و امنیت جهانی از طریق وسایل مسالمت‌آمیز و «نه» توسل به جنگ
- ۲ - برای تحکیم صلح جهانی باید بین ملت‌ها روابط دوستانه مبتنی بر «احترام متقابل» پدید آید و «خودمختاری» آنها حفظ شود.

۳ - همه کشورها باید در حل مسایل اقتصادی، سیاسی و ... مشارکت و همکاری کنند و برای بدست آوردن آزادی‌های بنیادی همگان فارغ از جنس و نژاد و زبان و مذهب آنها تلاش نماییم.

ماده ۲ منشور ملل متحد:

- ۱ - سازمان ملل متحد بر اصل «تساوی حاکمیت کشورها» استوار است.
- ۲ - فرض سازمان ملل متحد این است که اعضاء در تعهد خود نسبت به قوانین این سازمان حسن نیت دارند.
- ۳ - حل مسایل بین‌المللی و ایجاد صلح باید با وسایل مسالمت‌آمیز و بدون از جنگ و تهدید به زور علیه کشورها صورت پذیرد.

ماده ۵۵ منشور ملل متحد:

این ماده بطور کلی به رفع مشکلات اقتصادی و فرهنگی و دستیابی کشورها به توسعه توجه داشته و موادی را به تصویب می‌رساند و متذکر می‌شود که این امر صرفاً در سایه همکاری‌های بین‌المللی ملت‌ها و دولت‌ها امکان‌پذیر است.

نخستین اقدام ملل متحد برای آزادی اطلاعات تشکیل چه سازمانی در چه سالی بود؟

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد «یونسکو» در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵.

تعریف‌های اعلامیه حقوقی، میثاق، عهدنامه، قطعنامه

اعلامیه حقوق: شامل اصول کلی است.

میثاق: حقوقی عمومی برای اجرای اصول کلی است.

عهدنامه: شیوه‌های اجرایی و تعهدات دقیق مربوط به آن را شامل می‌شود.

قطعنامه: فقط یک رویه عمومی و بدون هیچگونه خصوصیت حقوقی را بیان می‌کند.

ماده ۱۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»:

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور، شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

متن ماده ۲۹ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» در خصوص محدودیت آزادی‌های مورد پیش‌بینی در این اعلامیه

- ۱ - هر کس در مقابل جامعه‌ای وظیفه‌ای دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.
- ۲ - هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون، منحصرأ جهت تأمین هویت و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای درستی اخلاق، نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک، وضع گردیده است.
- ۳ - این حقوق و آزادی‌ها، در هیچ موردی برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد نیست.

بند ۷ ماده دوم منشور ملل متحد:

هیچ یک از مقررات مندرج در منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشور است، دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند...

نکات ذکر شده در ماده ۱۹ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»

- ۱ - هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد بازخواست قرار داد.
- ۲ - هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به مرزها، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری و یا به هر وسیله دیگر، به انتخاب خود می‌باشد.
- ۳ - اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضروری داشته باشد:

الف) احترام حقوق یا حیثیت دیگران

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

تصویب ماده ۲۰ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»

- ۱ - هرگونه تبلیغ برای جنگ، به موجب قانون ممنوع است.
- ۲ - هرگونه دعوت به کینه ملی یا نژادی و مذهبی که محرک تبعیض یا دشمنی یا اعمال زور باشد، ممنوع است.

موارد پنجگانه اعلامیه آزادی اطلاعات:

- ۱ - حق شناخت و حق جستجوی آزادانه حقیقت، ۲ - حق شناخت و جستجوی حقیقت باید از طریق دولت‌ها تضمین شود، ۳ - اطلاعات باید در خدمت همگان اعم از دولتها و مردم باشد، ۴ و ۵ - احترام به حقوق و حیثیت ملل، افراد و حدود آزادی و همچنین عینی و صحت اخبار

ده شرکت برتر در عرصه ارتباطات و اطلاعات

- ۱ - تایم وارنر، ۲ - دیزنی، ۳ - وستینگ هاوس، ۴ - ویاکام، ۵ - سگرام، ۶ - گانت، ۷ - تله کامینیو کیشین، ۸ - نیوکورپوریشن، ۹ - سونی، ۱۰ - جنرال الکتریک

نحوه تشکیل اتحادیه ارتباط راه دور یا ITU (International Telecommunication Union)

در سال ۱۸۶۵ میلادی به دعوت ناپلئون سوم نمایندگان ۲۰ کشور جهان در پاریس جمع شدند و اولین قرارداد بین‌المللی ارتباطی به نام اتحادیه بین‌المللی تلگراف و همچنین اولین آیین‌نامه بین‌المللی در این خصوص نوشته و به تصویب رسید. سه سال بعد در سال ۱۸۶۸ میلادی در کنفرانس وین ایجاد یک دفتر دائمی برای این اتحادیه مورد موافقت قرار گرفت و شهر برن (پایتخت سوئیس) به عنوان مقر این دفتر انتخاب شد. در سال ۱۹۳۲ میلادی در کنفرانسی که در مادرید اسپانیا تشکیل شد نام این اتحادیه بین‌المللی تلگراف به «اتحادیه ارتباط راه دور یا ITU یا (international tele communication union) تغییر یافت.

ماهواره‌ها:

اسپوتنیک ۱ و ۲: در سال ۱۹۵۷ برای مطالعه طبقه یونسفر زمین و انتشار امواج رادیویی و مطالعه تشعشعات خورشیدی و اوضاع بیولوژی فضایی به فضا پرتاب شدند. این ماهواره‌ها که فقط علایم رادیویی را به زمین می‌فرستادند و بدون اجازه از مرزها عبور می‌کردند عمر کوتاهی داشتند و در سال ۱۹۵۸ از بین رفتند.

اسکور: اولین ماهواره مخابراتی بود که اطلاعات ارسالی را روی نوار مغناطیسی ضبط می‌کرد و این ماهواره بود که پیام ضبط شده‌ای از آیزنهاور را پخش کرد و نخستین تکرارکننده و انعکاس‌دهنده آسمانی ماهواره‌ای بود چون کار آن ضبط یک پیام و ارسال آن از ایستگاه زمینی به ماهواره بود و پس فرستادن آن به ایستگاه زمینی دیگر بود حداکثر طول پیام ۴ دقیقه و ظرفیت آن یک کانال صدا با ۶۰ کلمه در دقیقه بود.

تله استار: ماهواره مخابراتی بود که توسط یک شرکت تلفنی و تلگرافی آمریکا برای آزمایشات علمی و انتقال برنامه‌های تلویزیونی بین دو ایستگاههای آندور آمریکا و ایستگاه دیگری در فرانسه بکار گرفته شد.

اینتل ست ۱: مخفف Television Satellite International یعنی سازمان ماهواره‌ای تلویزیونی بین‌المللی آمریکا که نخستین ماهواره تجاری و مخابراتی خود را به نام «ارلی بر» توسط ناسا به فضا پرتاب کرد. این ماهواره به وسیله کامست ساخته شده بود و در ارتفاع ۳۶۰۰۰ کیلومتری زمین بر فراز اقیانوس اطلس با چرخشی در مدار ثابت نسبت به زمین قرار گرفت که دارای ۲۴۰ مدار تلفنی بود و به انتقال برنامه‌های تلویزیونی هم می‌پرداخت و الین ماهواره‌ای بود که کانال ارتباط ماهواره‌ای بین آمریکای شمالی و اروپای غربی را برقرار کرد.

اصول مهم اعلامیه سال ۱۹۷۲ کنفرانس عمومی یونسکو

- ۱ - هیچ کشوری نمی‌تواند بدون موافقت قبلی در کشور دیگری برنامه تلویزیونی پخش کند.
- ۲ - در مورد پیامهای تبلیغاتی تلویزیونی باید بین کشورهای تهیه‌کننده پیام و کشورهای دریافت‌کننده توافق وجود داشته باشد.
- ۳ - در زمینه پخش برنامه‌ها از طریق ماهواره‌ها باید به تفاوت‌های موجود در قوانین ملی کشورهای دریافت‌کننده این برنامه‌ها توجه شود.

چگونگی استقرار نظم نوین ارتباطی و اطلاعاتی جهانی NWICO

در اوایل دهه هفتاد نظم نوین اقتصادی بین‌المللی در یونسکو و سازمان جنبش غیرمتعهد‌ها منجر به افزایش تقاضا برای استقرار یک نظم نوین ارتباطی و اطلاعاتی جهانی یعنی: (NWICO) Communication Order & New World Information شد. این درخواست تقاضایی بود برای بازسازی کلی و دمکراتیک امکانات اطلاعاتی جهانی و همکاری کشورهای پیشرفته و شرکت‌های فراملی در زمینه حمایت از موسسات ارتباطی مستقل در کشورهای کمتر توسعه یافته یا توسعه نیافته و خودداری آنها از استفاده از جریان یکسویه اطلاعات تبلیغاتی سیاسی، آگهی‌های بازرگانی و محتویات رسانه‌های جمعی بود. برخی از محققان معتقد بودند صاحبان رسانه جریان آزاد رسانه‌ها و اطلاعات را به ابزاری برای کسب برتری اقتصادی و سیاسی تبدیل کرده‌اند.

مفاد اعلامیه بیستمین کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۷۸) ؟

- ۱ - کمک به آرمان کشورهای در حال توسعه برای برقراری یک نظم جدید جهانی اطلاعات و ارتباطات عادلانه‌تر و تأیید

- مبارزات کشورهای جهان سوم علیه امپریالیسم فرهنگی و خبری
- ۲ - آزادی بیان و عقیده و اطلاعات به عنوان جزئی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و عاملی جهت تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی
- ۳ - تعدد منابع خبری، دستیابی همگان به اطلاعات و برخورداری از روزنامه‌نگاران از آزادی در اطلاع‌رسانی و مشارکت همگان در تهیه اطلاعات

اهداف بیستمین کنفرانس عمومی یونسکو

- ۱ - تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی، ۲ - مبارزه علیه نژادپرستی (آپارتاید)، ۳ - مبارزه علیه تحریک به جنگ از طریق وسایل ارتباط جمعی، ۴ - استقرار نظم نوین اطلاعاتی بین‌المللی که باعث برابری جریان اطلاعات در کشورهای جهان سوم و کشورهای پیشرفته شود.

گزارش کمیسیون مک براید (۱۹۸۰)

- ۱ - همه مردم بتوانند از حق ارتباط و دریافت اطلاعات بهره‌مند شوند.
- ۲ - زنان، جوانان، اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی بتوانند به رسانه‌ها دسترسی داشته باشند.
- ۳ - سانسور و حتی شرایط خودسانسوری نیز لغو شود.
- ۴ - همه مردم بتوانند به اطلاعات علمی و تکنولوژیکی دسترسی پیدا کنند.
- ۵ - همه مردم از یک سویه بودن اطلاعات به نفع کشورهای غربی باخیر و آگاه شوند.
- ۶ - هرگونه اطلاعات سیاسی که منجر به بی‌ثباتی سیاسی کشورهای دیگر شود، محدود گردد.
- ۷ - همه کشورها بتوانند به‌طور برابر به فضا و امواج الکترومغناطیس دست یابند.

دلایل به فراموشی سپردن اعلامیه سال ۱۹۷۸ یونسکو و خنثی گردیدن جریان ارتباطات و اطلاعات

- ۱ - پدیده مقررات زدایی و خصوصی‌سازی که از آمریکا آغاز شده بود. (شاید توضیح)
- ۲ - خروج آمریکا و انگلیس از یونسکو (۱۹۸۵)
- ۳ - فروپاشی شوروی و اعلامیه برتری نظام سرمایه‌داری به عنوان ایدئولوژی مسلط بر دنیا توسط آمریکا

فلسفه وجودی تنوری آزادی‌گرایی لیبرالیسم

- ۱ - انسانها موجوداتی عقلانی هستند و می‌توانند احساسات خود را کنترل کنند و خوب و بد را از هم تشخیص دهند.
- ۲ - مطابق با مفهوم آزادی در اعلامیه استقلال آمریکا، همه انسانها آزاد و برابر آفریده شده‌اند و هیچ کس نمی‌تواند این حق طبیعی را که خداوند به افراد انسانی عطا کرده از آنها بازپس گیرد.
- ۳ - حقیقت از طریق استدلال کشف‌شدنی است و انسانها می‌توانند با استدلال و آزادی بیان به آن دست یابند. (این نظریه بر حداقل دخالت دولت در جوامع و در رسانه‌ها مانند اقتصاد تأکید دارد)

تردیدهای پدیدآمده در تنوری آزادی‌گرایی لیبرالیسم

- ۱ - نظریه تنازع بقاء داروین (چون انسان را تکامل یافته حیوان می‌دانست پس احتمال می‌داد کارها و اعمال غیر انسانی انجام دهند)، ۲ - نظریه فروید در حوزه روان‌شناسی (انسانها بیش از آنکه تابع عقلانیت خود باشند بشدت تحت تأثیر احساسات و هیجانات هستند)، ۳ - نظریه اقتصادی کارل مارکس (عقلانیت انسان را تابعی از روابط اقتصادی و مادی می‌دانست)

تنوری مسئولیت اجتماعی:

پس از جنگ جهانی دوم کمیسیونی در آمریکا در خصوص آزادی مطبوعات تشکیل شد مبنی بر اینکه تلاش رسانه‌ها عمدتاً برپایه مطالب جنجالی و پیش پا افتاده است و عملاً مسئولیت اجتماعی خود را در طرح مطالب عقلانی، کامل، جامع و حقیقی انجام نمی‌دهند.

مطابق با این تنوری، روزنامه‌نگاران همچون پزشکان باید قسم بخورند که به مسئولیت اجتماعی خود در قبال جامعه پایبندند در غیر این صورت باید دولت‌ها در انتشار مطالب مطبوعات و سایر رسانه‌ها دخالت کنند. از این دیدگاه دولت‌ها باید پشت صحنه باشند و در مواقعی که لازم است حاضر شده و اقدام کنند.

در واقع از سال ۱۹۴۷ به بعد که روزنامه‌نگاری تبدیل به یک حرفه شد، فارغ‌التحصیلان روزنامه‌نگاری احساس مسئولیت بیشتری در انتشار مطالب خود داشتند اما هیچ یک کنترل و نظارت دولت بر رسانه‌ها را قبول نداشته زیرا آن را به معنای از بین رفتن آزادی رسانه‌ها می‌دانستند.

تنوری مارکسیستی:

در سال ۱۸۴۶ مارکس در کتابی تحت عنوان ایدئولوژی آلمانی می‌گوید افکار حاکم در هر جامعه‌ای تفکرات طبقه حاکم بر آن جامعه است. اساساً مارکسیست‌ها معتقدند با توجه به اینکه ساختارهای کاپیتالیستی بر رسانه‌های گروهی حاکم هستند، احتمال

دسترسی به حقایق وجود ندارد. به عقیده آنها رسانه‌ها شدیداً تحت کنترل و اختیار گروه‌های خاصی هستند که منافع خاصی دارند. همین امر مانع از دستیابی آنها به واقعیت‌ها و حقایق می‌شود. به عقیده مارکس رسانه‌ها هم مولد کالا هستند و هم مولد تفکر و در عین حال منبع اصلی تبلیغات به شمار می‌روند. این رسانه‌ها واقعیت‌ها را تحریف کرده و اطلاعاتی را به ما تحمیل می‌کنند که فکر می‌کنند درست است.

تعریف حقوق طبیعی و حقوق موضوعه:

به عقیده فلاسفه غربی حقوق طبیعی در ذات انسانی سرشته شده و جزء لاینفک وجود فرد به شمار می‌رود، از این رو قانونگذار ناچار است به آن احترام بگذارد و از طریق حقوق موضوعه آن را حفظ و تضمین نماید. مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که در زمانی معین و در جامعه‌ای مشخص اعمال می‌شوند. این قواعد و مقررات که شامل رسوم و عرف‌ها، قوانین و رویه‌های قضایی و قراردادهای عمومی و شخصی و نظایر آن هستند، منشأ الزام و اجبارند و وجه مشترک آنها ایجاد نظم و محدود کردن آزادی مطلق فرد در زندگی جمعی می‌باشد.

آزادی مطبوعات در انگلستان

در سال ۱۷۷۱ حق انتشار مذاکرات جلسات پارلمان را بدست آوردند و در سال ۱۷۹۲ میادی تحت فشار مطبوعات پارلمان قانون خاصی را به تصویب رساند که به موجب آن ارزیابی جرایم مطبوعاتی به اعضای هیأت منصفه واگذار شد. نخستین روزنامه روزانه انگلستان در سال ۱۷۰۲ (قرن ۱۸) میلادی به نام جریان روز (Daily Current) تأسیس شد.

نکات مهم در آزادی مطبوعات در فرانسه

۱) نخستین روزنامه فرانسوی در سال ۱۶۳۱ میلادی به دستور «کاردینال ریشلیو» صدراعظم لویی سیزدهم توسط تئوفاست رونودو به نام «گازت» منتشر شد که از نوع استبدادی در دستگاه سلطنتی بود.

۲) اما نخستین روزنامه روزانه فرانسه، روزنامه پاریس نام داشت که در سال ۱۷۷۷ میلادی منتشر شد و از همه چیز غیر از سیاست سخن می‌گفت.

۳) (مهم) قویترین مرجع سانسور «مدیر کتابفروشی» بود.

۴) در واقع نظام حقوقی این دوره احتیاطی و پیشگیرانه بود. یعنی از طریق الزام به کسب اجازه یا امتیاز انتشار و سانسور مندرجات قبل از چاپ، روزنامه‌نویسان را محدود می‌کردند. آیین‌نامه‌های مربوط به تأسیس چاپخانه و کتابفروشی عملاً انتشار نشریات آنها را متوقف می‌کرد و در صورت تخلف از مقررات، مجازات سنگین و حتی اعدام را به دنبال داشت. در این زمان قوی‌ترین مرجع سانسور مدیر کتابفروشی بود.

محدودیت‌های آزادی بیان و مطبوعات آمریکا

- ۱) حمایت از افراد علیه اهانت و افترا
- ۲) حمایت از جامعه علیه اشاعه مطبوعات مستهجن
- ۳) حمایت دولت علیه تشنجات داخلی
- ۴) حمایت از دولت علیه تجاوزات خارجی

ماده ۱۲ ویرجینیا:

«آزادی مطبوعات یکی از مستحکم‌ترین سنگرهای آزادی است و جز به وسیله حکومت‌های استبدادی محدود نمی‌شود.»

در قانون اساسی نیویورک آمده:

«هر شهروندی می‌تواند آزادانه به طور شفاهی یا کتبی عقاید خود را درباره تمام موضوعات ابراز داشته و منتشر کند و مسئولیت سوء استفاده از این حق به عهده خود اوست. بنابراین هیچ قانونی برای کنترل کردن و محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات تصویب نخواهد شد.»

نکات مهم در مطبوعات فرانسه:

ماده ۴ اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه درباره آزادی می‌گوید:

«آزادی عبارت است از انجام هر کاری که به دیگری لطمه نزنند. بنابراین اعمال حقوق طبیعی هر شخص، محدودیتی جز آنچه برای تأمین حقوق طبیعی اعضای دیگر جامعه در نظر گرفته شده ندارد، و این محدودیت را فقط قانون معین می‌کند.»

ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه درباره آزادی عقیده می‌گوید:

«هیچ کس را نمی‌توان به سبب عقایدش حتی عقیده مذهبی تحت تعقیب قرار داد، مگر اینکه عقاید او مخل نظم عمومی باشد.»

ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه درباره آزادی بیان و مطبوعات می‌گوید:
«استقلال و انتشار آزاد افکار و عقاید، از گرانیهاترین حقوق انسانی است. بنابراین هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند، مگر در مواردی که برای مقابله با سوء استفاده از این آزادی در قانون مشخص شده و قابل تعقیب‌اند.»

(انواع آزادیهای عمومی

الف) آزادیهای شخصی یا بنیادین که شامل آزادیهای شخصی مانند ازدواج - مالکیت - آموزش - تحصیل - امنیت می‌باشد.
ب) آزادیهای فکری یا سیاسی مانند آزادی مطبوعات - تظاهرات - عقیده‌ها - احزاب

انواع آزادیهای اجتماعی:

الف) آزادیهای مشارکت‌آمیز: شرکت انتخابات
ب) آزادیهای مقاومت‌آمیز: مقاومت علیه سیاست‌های غلط دولت در تأمین آزادیهای شخصی و یا دخالت دولت در آزادیهای شخصی مانند جمع‌آوری ماهواره‌ها

تاریخ تشکیل برخی از سازمان‌های حرفه‌ای بین‌المللی:

۱۹۲۷	فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران
۱۹۲۷	فدراسیون بین‌المللی مدیران روزنامه‌ها
۱۹۲۵	فدراسیون بین‌المللی مطبوعات فنی و دوره‌ای
۱۹۳۰	دادگاه شرافت روزنامه‌نگاری
۱۹۳۷	عهدنامه تصحیح اخبار نادرست
۱۸۶۵	اتحادیه تلگرافی بین‌المللی
۱۹۰۶	اتحادیه رادیو تلگرافی بین‌المللی
۱۹۲۵	اتحادیه بین‌المللی پخش رادیویی
۱۹۳۲	اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور
این اتحادیه ۲۰۰ عضو دارد و برای هماهنگی وسایل و تجهیزات اصلی ارتباطات دور مانند تلفن، تلگراف و ارتباطات رادیو و تلویزیونی و همچنین ارتباطات جدید الکترونی در صحنه بین‌الملل است.	

پیوست اول:

متن کامل قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

بند اول - تعاریف:

ماده ۱- در این قانون اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

الف- اطلاعات: هر نوع داده که در اسناد مندرج باشد یا به صورت نرم‌افزاری ذخیره گردیده و یا با هر وسیله دیگری ضبط شده باشد.

ب- اطلاعات شخصی: اطلاعات فردی نظیر نام و نام خانوادگی: نشانی‌های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی خانوادگی عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جمعی، شماره حساب بانکی و رمز عبور است.

ج- اطلاعات عمومی: اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه‌ها، آمار و ارقام ملی و رسمی، اسناد و مکاتبات اداری که از مصادیق مستثنیات فصل چهارم این قانون نباشد.

د- موسسات عمومی، سازمان‌ها و نهادهای وابسته به حکومت به معنای عام کلمه شامل تمام ارکان و اجزای آن که در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده است:

ه- موسسات خصوصی: از نظر این قانون، موسسه خصوصی شامل هر موسسه انتفاعی و غیر انتفاعی به استثناء موسسات عمومی است.

بند دوم - آزادی اطلاعات:

ماده ۲- هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود.

ماده ۳- هر شخصی حق دارد از انتشار یا پخش اطلاعاتی که به وسیله او تهیه شده ولی در جریان آماده‌سازی آن برای انتشار تغییر یافته است، جلوگیری کند، مشروط به آنکه اطلاعات مزبور به سفارش دیگری تهیه نشده باشد که در این صورت تابع قرارداد بین آنها خواهد بود.

ماده ۴- اجبار تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان به افشاء منابع اطلاعات خود ممنوع است مگر به حکم مقام صالح قضایی و البته این امر نافی مسئولیت تهیه‌کنندگان و اشاعه‌دهندگان اطلاعات نمی‌باشد.

بند سوم - حق دسترسی به اطلاعات:

ماده ۵- موسسات عمومی مکلفند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند.

تبصره- اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد.

فصل دوم - آیین دسترسی به اطلاعات

بند اول - درخواست دسترسی به اطلاعات و مهلت پاسخگویی به آن

ماده ۶- درخواست دسترسی به اطلاعات شخصی تنها از اشخاص حقیقی که اطلاعات به آنها مربوط می‌گردد یا نماینده قانونی آنان پذیرفته می‌شود.

ماده ۷- موسسه عمومی نمی‌تواند از متقاضی دسترسی به اطلاعات هیچ‌گونه دلیل یا توجیهی جهت تقاضایش مطالبه کند.

ماده ۸- موسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع‌ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت زمان پاسخ نمی‌تواند حداکثر بیش از ۱۰ روز از زمان دریافت درخواست باشد. آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون بنا به پیشنهاد کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

بند دوم - نحوه پاسخ به درخواست‌ها:

ماده ۹- پاسخی که توسط موسسات خصوصی به درخواست‌های دسترسی به اطلاعات داده می‌شود باید به صورت کتبی یا الکترونیکی باشد.

فصل سوم - ترویج شفافیت

بند اول - تکلیف به انتشار

ماده ۱۰- هریک از موسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی می‌باشد، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست‌کم به‌طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیلان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی‌الامکان در یک کتاب راهنما که از جمله می‌تواند شامل موارد زیر باشد منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

الف- اهداف، وظایف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و ساختار.

ب- روش‌ها و مراحل اتمام خدماتی که مستقیماً به اعضای جامعه ارائه می‌دهد.

ج- سازوکارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن موسسه.

د- انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن موسسه نگهداری می‌شود و آیین دسترسی به آنها

ه- اختیارات و وظایف ماموران ارشد خود.

و- تمام سازوکارها یا آیین‌هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در اجرای اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحو دیگری موثر واقع شوند.

تبصره- حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم‌له می‌باشد.

ماده ۱۱- مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه‌بندی به عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.

بند دوم - گزارش واحد اطلاع‌رسانی به کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

ماده ۱۲- موسسات عمومی موظفند از طریق واحد اطلاع‌رسانی سالانه گزارشی درباره فعالیت‌های آن موسسه در اجرای این قانون به کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ارائه دهند.

فصل چهارم - استثنائات دسترسی به اطلاعات

بنداول - اسرار دولتی

ماده ۱۳- در صورتی که درخواست متقاضی به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد، موسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آنها امتناع کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود.

بند دوم - حمایت از حریم خصوصی:

ماده ۱۴- چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.

ماده ۱۵- موسسات مشمول این قانون در صورتی که پذیرش درخواست متقاضی متضمن افشای غیرقانونی اطلاعات شخصی درباره یک شخص حقیقی ثابت باشد باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده خودداری کنند، مگر آنکه:

الف- شخص ثالث به نحو صریح و مکتوب به افشای اطلاعات راجع به خود رضایت داده باشد.

ب- شخص متقاضی، ولی یا قیم یا وکیل شخص ثالث، در حدود اختیارات خود باشد.

ج- متقاضی یکی از موسسات عمومی باشد و اطلاعات درخواست شده در چارچوب قانون مستقیماً به وظایف آن به عنوان یک موسسه عمومی مرتبط باشد.

بند سوم - حمایت از سلامتی و اطلاعات تجاری:

ماده ۱۶- در صورتی که برای موسسات مشمول این قانون با مستندات قانونی محرز باشد که در اختیار قرار دادن اطلاعات درخواست شده، جان یا سلامت افراد را به مخاطره می‌اندازد یا متضمن ورود خسارت مالی یا تجاری برای آنها باشد، باید از در اختیار قرار دادن اطلاعات امتناع کنند.

بند چهارم - سایر موارد:

ماده ۱۷- موسسات مشمول این قانون مکلفند در مواردی که ارائه اطلاعات درخواست شده به امور زیر لطمه وارد می‌نماید از دادن آنها خودداری کنند.

الف- امنیت و آسایش عمومی.

ب- پیشگیری از جرائم یا کشف آنها بازداشت یا تعقیب مجرمان.

ج- ممیزی مالیات یا عوارض قانونی یا وصول آنها.

د- اعمال نظارت بر مهارت به کشور.

تبصره ۱- موضوع مواد (۱۳) الی (۱۷) شامل اطلاعات راجع به وجود یا بروز خطرات زیست‌محیطی و تهدید سلامت عمومی نمی‌گردد.

تبصره ۲- موضوع مواد (۱۵) و (۱۶) شامل اطلاعاتی که موجب هتک عرض و حیثیت افراد یا مغایر عفت عمومی و یا اشاعه فحشاء می‌شود، نمی‌گردد.

فصل پنجم - کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات
بند اول - تشکیل کمیسیون:

ماده ۱۸- به منظور حمایت از آزادی اطلاعات و دسترسی همگانی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند، تدوین برنامه‌های اجرایی لازم در عرصه اطلاع‌رسانی، نظارت کلی بر حسن اجرا، رفع اختلاف در چگونگی ارائه اطلاعات موضوع این قانون از طریق ایجاد وحدت رویه، فرهنگسازی، ارشاد و ارائه نظرات مشورتی، کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به دستور رئیس‌جمهور با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس کمیسیون).

ب- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات یا معاون ذی‌ربط.

ج- وزیر اطلاعات یا معاون ذی‌ربط.

د- وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح یا معاون ذی‌ربط.

ه- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون ذی‌ربط.

و- رئیس دیوان عدالت اداری.

ز- رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی.

ح- دبیر شورای عالی فناوری اطلاعات کشور.

تبصره ۱- دبیرخانه کمیسیون یاد شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌گردد. نحوه تشکیل جلسات و اداره آن و وظایف دبیرخانه به پیشنهاد کمیسیون مذکور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- مصوبات کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات پس از تایید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۹- مؤسسات ذی‌ربط ملزم به همکاری با کمیسیون می‌باشند.

بند دوم - گزارش کمیسیون:

ماده ۲۰- کمیسیون باید هر ساله گزارشی درباره رعایت این قانون در مؤسسات مشمول این قانون و فعالیت‌های خود را به مجلس شورای اسلامی و رئیس‌جمهور تقدیم کند.

فصل ششم - مسوولیت‌های مدنی و کیفری

ماده ۲۱- هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که در نتیجه انتشار اطلاعات غیرواقعی درباره او به منافع مادی و معنوی وی صدمه وارد شده است حق دارد تا اطلاعات مذکور را تکذیب کند یا توضیحاتی درباره آنها ارائه دهد و مطابق با قواعد عمومی مسوولیت مدنی جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نماید.

تبصره- در صورت انتشار اطلاعات واقعی برخلاف مفاد این قانون، اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند که مطابق قواعد عمومی مسوولیت‌های مدنی، جبران خسارت‌های وارد شده را مطالبه نمایند.

ماده ۲۲- ارتکاب عمدی اعمال زیر جرم می‌باشد و مرتکب به پرداخت جزای نقدی از ۳۰۰ هزار (۳۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال با توجه به میزان تاثیر، دفعات ارتکاب جرم و وضعیت وی محکوم خواهد شد:

الف- ممانعت از دسترسی به اطلاعات برخلاف مقررات این قانون.

ب- هر فعل یا ترک فعلی که مانع انجام وظیفه کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات یا وظیفه اطلاع‌رسانی مؤسسات عمومی برخلاف مقررات این قانون شود.

ج- امحاء جزئی یا کلی اطلاعات بدون داشتن اختیار قانونی.

د- عدم رعایت مقررات این قانون درخصوص مهلت‌های مقرر.

چنانچه هریک از جرایم یاد شده در قوانین دیگر مستلزم مجازات بیشتری باشد، همان مجازات اعمال می‌شود.

ماده ۲۳- آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ تصویب، توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر ۲۳ ماده و هفت تبصره، در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ششم بهمن‌ماه ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۳۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با الحاق یک تبصره ذیل ماده (۱۰) موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.